



EUROPEAN COURT OF HUMAN RIGHTS
COUR EUROPÉENNE DES DROITS DE L'HOMME

راهنمایی بر ماده 3

کنوانسیون اروپایی

حقوق بشر

منع شکنجه

اولین ویرایش _ 31 دسامبر 2021

این راهنما در واحد ثبت تهیه شده است و دادگاه را ملزم نمی سازد.



از ناشران یا سازمان‌هایی که مایل به ترجمه و/یا انتشار تمام یا بخشی از این راهنما در قالب یک نشریه چاپی یا الکترونیکی می باشند، دعوت می‌شود برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد فرایند صدور مجوز از طریق آدرس ذیل تماس برقرار سازند؛ publishing@echr.coe.int.
اگر می‌خواهید بدانید کدام ترجمه‌های راجع به راهنمایی بر رویه های قضایی در حال حاضر در حال انجام است، لطفاً به [ترجمه‌های در حال اقدام](#) مراجعه کنید.

این راهنما در اصل به زبان انگلیسی تدوین شده است. این متن در تاریخ 31 دسامبر 2021 نهایی گردید و بطور مرتب بروز رسانی خواهد شد. این راهنما ممکن است در معرض تجدیدنظر ویراستاری قرار گیرد.

این سند برای دانلود بروی <http://www.echr.coe.int/> موجود است (رویه قضایی – تحلیل رویه قضایی – راهنمایی بر رویه قضایی). به منظور انتشار نسخه بروز رسانی شده این سند لطفا حساب تویتر دادگاه <https://twitter.com/echrpublication> را دنبال کنید.

این ترجمه با هماهنگی شورای اروپا و دادگاه اروپایی حقوق بشر منتشر شده است و مسئولیت آن صرفاً بر عهده [محسن مرهونی] می باشد.

© شورای اروپا / دادگاه اروپایی حقوق بشر، 2022

فهرست مطالب

یادداشتی برای خوانندگان	6
1. ملاحظات کلی	7
الف. تفسیر ماده 3	7
ب. تعهدات دولت ها طبق ماده 3	7
ج. قلمرو ماده 3	7
د. انواع رفتار یا مجازات ممنوعه	8
1. شکنجه	8
2. رفتار یا مجازات غیر انسانی	9
3. رفتار یا مجازات تحقیرآمیز	10
ه. رابطه بین ماده 2 و 8 کنوانسیون	11
2. ممنوعیت شکنجه، رفتار یا مجازات غیر انسانی یا تحقیر آمیز اعمال شده یا تسهیل شده توسط عوامل دولتی	12
الف. اظهارات اولیه	12
ب. ارزیابی شواهد	12
1. معیار اثبات ادله	13
2. بار اثبات ادله	13
ج. اعمال قوه قهریه توسط عوامل دولتی	13
1. ملاحظات کلی	13
2. استفاده از ابزارهای خاص یا اقدامات بازدارنده	14
د. تفتیش بدنی غیرمتعارف یا از طریق برهنه نمودن شخص	15
ه. خدمت سربازی	15
و. شرایط بازداشت	16
ز. معالجه پزشکی در بازداشت	16
ح. درد و رنج بستگان یک قربانی	16
1. اظهارات اولیه	16
2. بستگان افراد ناپدید شده	17

3. مرگ های تایید شده 17
4. برخورد با اجساد 18
5. سایر موارد..... 18
- ط. محکومیت و مجازات 18
1. سن مسئولیت کیفری 18
2. مجازات های بشدت نامتناسب و سنگین 19
3. مجازات مرگ 19
4. حبس ابد 20
- ی. استرداد و اخراج 20
- ک. مداخلات پزشکی اجباری 21
- الف. اصول کلی 21
- ب. تغذیه اجباری 21
- ج. درمان اجباری روانپزشکی 21
- د. عقیم سازی غیر ارادی 21
- ه. حذف داروها و سایر شواهد از بدن فرد 22
3. حمایت در برابر شکنجه، رفتار یا مجازات غیرانسانی یا تحقیرآمیز عوامل غیردولتی 23
- الف. قلمرو تعهدات مثبت دولت ها 23
- ب. ماهیت تعهدات مثبت دولت ها 24
1. وظیفه ایجاد سازوکار قانونی و نظارتی مناسب 24
2. وظیفه اتخاذ اقدامات عملیاتی پیشگیرانه 24
- ج. برخی مصادیق 25
4. وظیفه رسیدگی به ادعاهای مربوط به شکنجه، رفتار یا مجازات غیرانسانی یا تحقیرآمیز 26
- الف. قلمرو تعهدات شکلی 26
- ب. هدف تحقیقات 26
- ج. ماهیت و میزان نظارت و بررسی های دقیق 26
- د. معیارهای تحقیقات 27
1. اظهارات اولیه 27

- 27..... 2. استقلال
- 28..... 3. کفایت
- 29..... 4. فوریت و شتاب معقول
- 30..... 5. بررسی و نظارت عمومی و مشارکت قربانی
- 31..... ه. مسائل مربوط به تعقیب، مجازات و جبران خسارت
- 31..... و. تحقیقات پیرامون جرایم ناشی از نفرت
- 32..... ز. تعهدات شکلی در زمینه های فرامرزی
- 32..... ح. تجدید تعهدات شکلی
- 33..... فهرست پرونده های استنادی

یادداشتی برای خوانندگان

این راهنما بخشی از مجموعه راهنماهای حقوقی می باشد که توسط دادگاه اروپایی حقوق بشر (از این پس "دادگاه"، "دادگاه اروپایی" یا "دادگاه استراسبورگ") منتشر شده است تا فعالین حقوقی را در مورد احکام و تصمیمات اساسی صادره توسط دادگاه استراسبورگ مطلع سازد. این راهنمای خاص، رویه قضایی راجع به ماده 3 کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (از این پس "کنوانسیون" یا "کنوانسیون اروپایی") را تحلیل و جمع بندی می نماید. خوانندگان در اینجا به اصول کلیدی در این زمینه و سوابق مربوطه پی خواهند برد.

رویه قضایی مورد استناد از میان احکام و تصمیمات اصلی، عمده و/یا اخیر انتخاب شده است.¹

احکام و تصمیمات دادگاه اروپایی حقوق بشر نه تنها بمنظور تصمیم گیری در مورد پرونده های مطرح شده نزد آن دادگاه صادر می شود، بلکه بطور کلی تر، بمنظور تبیین، تضمین و توسعه قواعد مقرر در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز بکار می رود و بدین وسیله به رعایت تعهدات توسط دولت ها به عنوان طرف های متعاقد کمک می کند (recently, *Ireland v. the United Kingdom*, § 154, 18 January 1978, Series A no. 25, and, more

Jeronovičs v. Latvia [GC], no. 44898/10, § 109, 5 July, 2016

بنابراین، رسالت و هدف اصلی دادگاه استراسبورگ به موجب کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، تعیین مسائل مرتبط با سیاست عمومی در راستای منافع همگانی می باشد، که در نتیجه، موجب ارتقاء معیارهای حمایت از حقوق بشر و گسترش رویه قضایی راجع به این حقوق در سرتاسر جامعه کشورهای عضو این کنوانسیون می گردد (*Konstantin Markin v. Russia* [GC], § 89, no. 30078/06, ECHR 2012). در واقع، این دادگاه بر نقش کنوانسیون به

عنوان "سند ساختار اساسی نظم عمومی اروپا" در زمینه حقوق بشر تاکید نموده است (*Bosphorus Hava Yolları Turizm ve Ticaret Anonim Şirketi v. Ireland* [GC], no. 45036/98, § 156, ECHR 2005-VI, and *N.D. and N.T. v. Spain* [GC], nos 8675/15 and 8697/15, § 110, 13 February 2020).

این راهنما حاوی ارجاعاتی به کلمات کلیدی برای هر ماده مندرج در کنوانسیون و پروتکل های الحاقی آن می باشد. مسائل حقوقی مورد بررسی در هر پرونده در **فهرستی از کلمات کلیدی** در یک فرهنگ جامع اصطلاحات منتخب جمع آوری می شود (که در بیشتر موارد) مستقیماً از متن کنوانسیون و پروتکل های آن اخذ گردیده است.

پایگاه داده HUDOC راجع به رویه قضایی دادگاه، جستجو با این کلمات کلیدی را امکان پذیر می سازد. جستجو با این کلمات کلیدی امکان یافتن گروهی از اسناد با محتوای قانونی مشابه را فراهم می سازد (استدلال و نتیجه گیری دادگاه در هر پرونده از طریق کلمات کلیدی جمع بندی می شود). با کلیک بر روی برجسب Case Details در HUDOC می توان کلمات کلیدی را برای هر پرونده جداگانه پیدا کرد. برای اطلاعات بیشتر در مورد پایگاه داده HUDOC و کلمات کلیدی، لطفاً به **راهنمای کاربر HUDOC** مراجعه کنید.

¹ لینک پرونده های استناد شده در نسخه الکترونیکی این راهنما به متن احکام و تصمیمات صادره توسط دادگاه و گزارش ها یا تصمیمات کمیسیون اروپایی حقوق بشر (از این پس "کمیسیون") به زبان انگلیسی یا فرانسوی (دو زبان رسمی دادگاه) اشاره دارد. تمام ارجاعات مربوط به حکمی است که توسط یک شعبه دادگاه صادر شده است، مگر اینکه برخلاف آن ذکر شده باشد. مخفف (dec) نشان می دهد که استناد به یک "تصمیم" شعبه دادگاه (بدوی) می باشد و (GC) نشان می دهد که پرونده توسط شعبه عالی دادگاه رسیدگی شده است. احکام شعب بدوی که در زمان انتشار این بروز رسانی قطعی نباشند با نشان ستاره (*) مشخص می شوند.

1. ملاحظات کلی

الف. تفسیر ماده 3

1. رویکرد دادگاه استراسبورگ نسبت به تفسیر ماده 3 کنوانسیون اروپایی حقوق بشر می بایست مبتنی بر این واقعیت باشد که هدف و مقصود این کنوانسیون به عنوان ابزاری برای حمایت از اشخاص، ایجاب می کند که مفاد آن به گونه ای تفسیر و اعمال شود که ضمانت های آن عملی و موثر گردد. بنابراین، هر گونه تفسیر حقوق و آزادی های تضمین شده می بایست با روح کلی حاکم بر این کنوانسیون به عنوان سندی که برای حفظ و ترویج ایده ها و ارزش های یک جامعه دموکراتیک تدوین گردیده است، سازگار باشد (Soering v. the United Kingdom, 1989, § 87).

2. ماده 3 این کنوانسیون یکی از اساسی ترین ارزش های جوامع دموکراتیک را پاس می دارد. در واقع، ممنوعیت شکنجه و رفتار یا مجازات های غیرانسانی و تحقیرآمیز به عنوان معیار یک جامعه متمدن است که با احترام به کرامت انسانی پیوند تنگاتنگی دارد (Bouyid v. Belgium [GC], 2015, § 81). ممنوعیت مورد بحث مطلق می باشد و طبق بند دوم ماده 15 هیچ گونه عدولی از آن، حتی در صورت بروز شرایط اضطراری عمومی که جان یک ملت را تهدید می کند یا در سخت ترین شرایط، مانند مبارزه با تروریسم و جرایم سازمان یافته یا هجوم مهاجران و پناهجویان، صرف نظر از چگونگی و نوع رفتار شخص مربوطه (El-Mocanu and Others v. Romania [GC], 2014, § 315; A. and Others v. the United Kingdom [GC], 2009, § 126) یا (Z.A. and Others v. Russia [GC], 2009, §§ 187-188; Masri v. the former Yugoslav Republic of Macedonia [GC], 2012, § 195) یا ماهیت جرم ارتكابی وی، مجاز نمی باشد (Ramirez Sanchez v. France [GC], 2006, § 116) و (Gafgen v. Germany [GC], 2010, § 87).

ب. تعهدات دولت ها طبق ماده 3

3. ماده 3 این کنوانسیون معمولا در زمینه هایی اعمال می شود که در آن رفتار منع شده ناشی از اقدامات عمدی عوامل دولتی یا مقامات عمومی می باشد. ماده 3 را می توان به طور کلی به عنوان تحمیل یک تعهد اساسا منفی بر دولت ها بمنظور خودداری از ایراد آسیب جدی به اشخاص در حوزه قضایی آنان توصیف نمود (Hristozov and Others v. Bulgaria, 2012, § 111).

4. با این حال، دادگاه استراسبورگ همچنین بر این باور است که دولت ها به موجب ماده 3 کنوانسیون، تعهدات مثبتی دارند که اولاً شامل، تعهدی برای ایجاد چارچوب و سازوکاری قانونی و نظارتی جهت حمایت از افراد می باشد؛ ثانیاً، در برخی شرایط کاملا مشخص، تعهد به اتخاذ اقدامات عملیاتی برای حمایت از افراد خاص در برابر خطر وقوع رفتاری که برخلاف آن ماده می باشد؛ و ثالثاً، تعهد به انجام تحقیقات موثر در مورد ادعاهای قابل بحث راجع به اعمال چنین رفتاری. به طور کلی، دو جنبه اول این تعهدات مثبت به عنوان تعهدات "ماهوی" طبقه بندی می شوند، در حالی که جنبه سوم با تعهدات رویه ای (شکلی) دولت ها مطابقت دارد (X and Others v. Bulgaria [GC], 2021, § 178).

ج. قلمرو ماده 3

5. ممنوعیت مقرر به موجب ماده 3 به همه موارد بدر رفتاری مربوط نمی شود (Savran v. Denmark, [GC], 2021, § 122). به موجب رویه قضایی دادگاه استراسبورگ، به طور کلی، بدر رفتاری می بایست حداقل سطح شدت لازم را داشته باشد تا در محدوده مفاد ماده 3 قرار گیرد. بنابراین، ارزیابی آن سطح نسبی می باشد و به تمام شرایط و اوضاع و احوال هر مورد، مانند مدت زمان آن رفتار، اثرات جسمی یا روحی آن و در برخی موارد جنسیت، سن و وضعیت سلامت قربانی نیز بستگی دارد (Mursic v. Croatia [GC], 2016, § 97).

6. به منظور تعیین اینکه آیا آستانه این شدت محقق شده است یا خیر، عوامل دیگری ممکن است مورد ملاحظه قرار گیرند، به ویژه: (الف). هدفی که بدر رفتاری به منظور تحقق آن انجام شده است، همراه با قصد یا انگیزه پشت آن، هر چند که در صورت فقدان قصد تحقیر یا زبون نمودن قربانی نمی توان بطور قطعی نقض مفاد ماده 3 را رد نمود؛ (ب). زمینه ای که در آن بدر رفتاری صورت گرفته است، مانند اوضاع و احوال و شرایطی پر تنش و با هیجانات بالا؛ و (ج). اینکه آیا قربانی در وضعیت آسیب پذیری قرار دارد یا خیر (Khlaifia and Others v. Italy [GC], 2016, § 160).

7. دادگاه استراسبورگ هنگام ارزیابی اینکه آیا یک فرد تحت بدر رفتاری های واجد حداقل سطح شدت لازم قرار گرفته است یا خیر، به ویژه بدر رفتاری هایی که توسط افراد خصوصی انجام می شود، مجموعه ای از عوامل را در نظر می گیرد که هر یک از آنها می توانند وزن قابل توجهی داشته باشند. همه این عوامل این پیش فرض را در نظر می گیرند که رفتاری که قربانی در «معرض» آن واقع شده، نتیجه یک عمل عمدی بوده است. بنابراین، صدمات بدنی و رنج جسمی و روحی وارد شده بر یک فرد به موجب حادثه ای که صرفا ناشی از اتفاق یا رفتار سهل انگارانه ای باشد را نمی توان پیامد آنگونه رفتاری دانست که بتوان آن را در راستای معنای ماده 3 قرار داد (Nicolae Virgiliu Tanase v. Romania [GC], 2019, §§ 121 and 123).

8. با این حال، در مواردی که فردی از آزادی اش محروم می شود، یا بطور کلی تر، با مامورین مجری قانون مواجه می گردد، هر گونه رفتاری که توسط این مامورین نسبت به آن فرد موجب تضعیف کرامت انسانی وی گردد، تلقی نقض ماده 3 کنوانسیون را دارد (Bouyid v. Belgium [GC], 2015, §§ 100-101).

د. انواع رفتار یا مجازات ممنوعه

1. شکنجه

9. به منظور تعیین اینکه آیا شکل خاصی از یک بدرفتار را می بایست به عنوان شکنجه تعریف نمود، دادگاه استراسبورگ به تمایز مندرج در ماده 3 بین این مفهوم و رفتار غیرانسانی یا تحقیرآمیز توجه می نماید. مقصود این بوده است که کنوانسیون اروپایی حقوق بشر می بایست، به واسطه این تمایز، بدنامی خاصی را به رفتار عمدی غیرانسانی که باعث رنجی بسیار و بی رحمانه می شود، نسبت دهد. همین تمایز در ماده 1 کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات های ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز "UNCAT" تصریح شده است (Ireland v. the United Kingdom, 1978, § 167؛ Selmouni v. France [GC], 1999, § 96 و Ilascu and Others v. Moldova and Russia [GC], 2004, § 426).

10. علاوه بر شدت بدرفتاری، یک مولفه ی اساسی دیگری نیز وجود دارد- همانطور که در UNCAT به رسمیت شناخته شده است- که شکنجه را بر حسب ایراد عمدی درد یا رنج شدید با هدف، از جمله، کسب اطلاعات یا اعتراف، اعمال مجازات یا ارباب تعریف می کند (Selmouni v. France [GC], 1999, § 97؛ Salman v. Turkey [GC], 2000, § 114؛ Al Nashiri v. Poland, 2014, § 508 و Petrosyan v. Azerbaijan, 2021, § 68).

11. با توجه به این واقعیت که کنوانسیون یک سند پویاست که می بایست با توجه به شرایط امروزین تفسیر شود، چرا که اعمالی را که در گذشته به عنوان «رفتار غیرانسانی و تحقیرآمیز» در مقابل «شکنجه» طبقه بندی می شدند را می توان در آینده بطور متفاوتی طبقه بندی نمود. بنابراین، دادگاه استراسبورگ بر این عقیده است که استانداردهای رو به رشدی را که در عرصه حمایت از حقوق بشر و آزادی های اساسی مورد نیاز است، متناسباً و بطور اجتناب ناپذیری مستلزم ثبات و قاطعیت بیشتری در ارزیابی های راجع به نقض ارزش های بنیادی جوامع دموکراتیک می باشد (Selmouni v. France [GC], 1999, § 101).

12. به عنوان مثال، یک بدرفتاری به منزله «شکنجه» تلقی می گردد، هنگامی که:

- مامورین دولتی یک خواهان (شخص مدعی) در بازداشت را برای اخذ اعتراف، برهنه کرده و بازوهایش را از پشت به هم بسته و با بازوهایش آویزان کرده بودند ("آویزان کردن فلسطینی") (Aksoy v. Turkey, 1996, § 64)؛

- خواهان در حین بازداشت مورد تجاوز و بدرفتاری و تحت آزارهای جسمی و روانی دیگری قرار گرفت (Aydin v. Turkey, 1997, §§ 83-87). همچنین رجوع شود به پرونده Maslova and Nalbandov v. Russia, 2008, § 108، که در آن خواهان به طور مکرر مورد تجاوز جنسی و همچنین در طول بازجویی مورد خشونت فیزیکی قرار گرفت و در پرونده Zontul v. Greece, 2012, § 92، جایی که یک مهاجر غیرقانونی توسط گارد ساحلی که مسئول نظارت بر او بود، مورد تجاوز قرار گرفت؛

- خواهان هایی را که از خواب محروم شدند و تحت شرایط به شیوه «آویز کردن فلسطینی» (بستن دست ها از پشت به هم و آویزان کردن فرد) و «فلکا» (شلاق زدن بر پاهای برهنه فرد) و از طریق پاشیدن آب، در حالیکه چندین روز در حبس بودند برای گرفتن اعتراف مورد ضرب و شتم قرار گرفتند (Bati and Others v. Turkey, 2004, § 110 and §§ 122-124)؛

- خواهان، که یک زندانی در اعتصاب غذا بود، علیرغم فقدان نیاز و ضرورت پزشکی و با استفاده از دستبند، دهان گشادکننده و لوله لاستیکی مخصوص وارد کردن غذا به مجرای آن، به وی غذا خورانده شده بود و در صورت مقاومت، با استفاده از زور اقدام می شد (Nevmerzhtsky v. Ukraine, 2005, § 98)؛

- خواهان تحت اقدامات ترکیبی و از پیش طراحی شده از جمله دستبند زدن، پوشاندن سر، درآوردن اجباری لباس ها، قرار دادن اجباری شیفاف در حالی که بدون ضرورت پزشکی روی زمین نگه داشته شده بود، در چارچوب «اعزام زندانیان به کشوری دیگر برای انجام کارهایی با آنها که در کشور خود مجاز نمی

باشد»، همگی به منظور کسب اطلاعات از خواهان یا مجازات یا ارباب وی انجام می شد (*El-Masri v. the former Yugoslav Republic of Macedonia* [GC], 2012, § 205)؛

▪ ضرب و شتم شدید توسط افسران پلیس که منجر به مرگ یکی از بستگان خواهان ها شد (*Satybalova and Others v. Russia*, 2020, § 76)؛ همچنین نگاه کنید به پرونده *Lutsenko and Verbytsky v. Ukraine*, §§ 79-80، جایی که آقای Verbytsky، در جریان اعتراضات میدان در اوکراین، توسط عوامل غیر دولتی که توسط پلیس اجبر شده بودند مورد ضرب و شتم قرار گرفت که منتهی به مرگ وی گردید).

13. دادگاه استراسبورگ اعلام نموده است که نوع خاصی از یک رفتار، مانند تجاوز به یک زندانی توسط یک مقام دولتی که با توجه به شرایط و اوضاع و احوالی که آن شخص می توانست به آسانی بموجب آن از آسیب پذیری و مقاومت ضعیف قربانی سوء استفاده کند را می بایست به عنوان یک نوع خاص بدرفتاری شدید و شنیع تلقی نمود. علاوه براین، تجاوز به قربانیان، زخم های روانی عمیقی برجای می گذارد که با گذر زمان به سرعت سایر اشکال خشونت های فیزیکی و روانی از بین نمی رود. قربانی همچنین درد فیزیکی حاد ناشی از دخول اجباری را تجربه می کند، که باعث می شود او هم از نظر جسمی و هم از نظر عاطفی احساس تحقیر و تجاوز کند (*Maslova and Nalbandov v. Russia*, 2008, § 105).

14. دادگاه استراسبورگ همچنین این موضوع را که تهدید به شکنجه می تواند به منزله نوعی اعمال شکنجه تلقی شود را رد ننموده است، زیرا ماهیت شکنجه هم درد جسمانی و هم رنج روحی را شامل می شود. به ویژه، ترس از شکنجه فیزیکی خود ممکن است در برخی شرایط، شکنجه روحی تلقی شود. با این حال، این دادگاه تأکید نموده است که طبقه بندی راجع به اینکه آیا یک تهدید خاص به شکنجه فیزیکی را می توان به منزله نوعی شکنجه روانی یا نوعی رفتار غیر انسانی یا تحقیرآمیز دانست یا خیر را در واقع به همه شرایط و اوضاع و احوال یک مورد رفتاری خاص، از جمله، به ویژه، شدت فشار اعمال شده و شدت رنج روانی وارد شده بستگی دارد (*Gafgen v. Germany* [GC], 2010, § 108).

15. در پرونده *Tunikova and Others v. Russia*, 2001، خواهان ها از دادگاه استراسبورگ خواستند که بدرفتاری اعمال شده توسط عوامل غیردولتی را نیز به عنوان شکنجه محسوب نماید. در حالی که این دادگاه اذعان داشت که چنین توصیف و مشخصه ی اضافی برای خواهان ها اهمیت بسیار دارد و می تواند بر درک عمومی از خشونت خانگی نیز تأثیر بگذارد، اما با این وجود بر این باور است که احراز و تحقق چنین مشخصه ای ضروری نمی باشد در شرایطی که شکی وجود نداشته باشد که رفتار تحمیل شده بر خواهان ها به آنچنان آستانه شدت لازم رسیده است که می توان آن را در محدوده مفاد ماده 3 کنوانسیون قرار داد (§ 77).

2. رفتار یا مجازات غیر انسانی

16. تمایز بین شکنجه، رفتار یا مجازات غیرانسانی و رفتار یا مجازات تحقیرآمیز اساساً از تفاوت در شدت درد و رنج وارد شده ناشی می شود (*Ireland v. the United Kingdom*, 1978، § 167). دادگاه استراسبورگ رفتار یا مجازاتی را «غیرانسانی» تلقی کرده است، زیرا، از جمله، اینکه آن رفتار یا مجازات از پیش برنامه ریزی شده، ساعت ها به طور طولانی اعمال گردیده و باعث هم آسیب واقعی بدنی و هم رنج شدید جسمی و روحی گردیده است (*Labita v. Italy* [GC], 2000، § 120 و *Kudla v. Poland* [GC], 2000، § 92).

17. برای مثال، رفتار یا مجازاتی «غیرانسانی» تلقی می گردد، هنگامی که:

▪ خواهان در حین بازداشت پلیس به شکنجه تهدید شد (*Gäfgen v. Germany* [GC], 2010، §§ 91 and 101-108)؛ همچنین نگاه کنید به پرونده *Al Sadoon and Mufdhi v. the United Kingdom*, §§ 137 and 144، 2010، جایی که خواهان در معرض ترس از اجرای مجازات اعدام توسط مقامات خارجی قرار گرفت و در پرونده *Al Nashiri v. Romania*, 2018، § 675 که در آن خواهان، که قبلاً مورد بدرفتاری قرار گرفته بود، در شرایط سخت بازداشت و در انزوای کامل با احتمال اعمال شکنجه قرار گرفت؛

▪ منازل و اموال خواهان ها عمدهً توسط نیروهای امنیتی تخریب شد و خواهان ها از وسایل معاش خود محروم شدند و آنها را مجبور به ترک روستای خود کردند (*Seiçuk and Asker v. Turkey*, 1998، § 77؛ *Hasan İlhan v. Turkey*, 2004، § 108)؛

▪ خواهان به دلیل ناپدید شدن یکی از بستگانش، در یک دوره طولانی و مستمر دچار سردرگمی و دلهره شد (*Orhan v. Turkey*, 2002، § 360)؛ همچنین رجوع کنید به *Musayev and Others v. Russia*, 2007، § 169، جایی که خواهان شاهد اعدام فراقضایی چند تن از بستگان و همسایگانش و همچنین واکنش ناکافی و ناکارآمد مقامات پس از وقایع بود؛

■ خواهان، سرباز وظیفه ای بود که از بیماری رنج می برد و تحت فشار بسیار شدید فعالیت های فیزیکی به عنوان مجازات قرار داشت (*Chember v. Russia*, 2008, § 57)؛

■ خواهان مدت طولانی حبس ابد خود را در شرایط بد و تحت شرایط یک سیستم بسیار سخت گیرانه سپری می کرد (*Simeonovi v. Bulgaria* [GC], 2017, § 90).

3. رفتار یا مجازات تحقیرآمیز

18. یک رفتار زمانی «تحقیرکننده» تلقی می شود که فردی را تحقیر یا خوار سازد، که این خود نشان دهنده عدم احترام یا تضعیف کرامت انسانی او یا برانگیختن احساسی از ترس، اضطراب یا حقارتی می باشد که می تواند اخلاق فردی و مقاومت فیزیکی او را بشکند. به هر حال، ممکن است کافی باشد که قربانی تنها از نظر خودش احساس حقارت کند، حتی اگر در نظر دیگران این چنین نباشد. علاوه بر این، اگرچه این سوال که آیا هدف از یک رفتار، تحقیر یا خوار نمودن قربانی بوده است یا خیر، عاملی است که می بایست مورد توجه قرار گیرد، با این وجود، فقدان چنین هدفی نمی تواند به طور قطعی نقض ماده 3 را رد کند (*Gafgen v. Germany* [GC], 2010, § 89؛ *M.S.S. v. Belgium and Greece* [GC], 2011, § 220).

19. برای اینکه مجازاتی «تحقیرکننده» و ناقض ماده 3 باشد، میزان و شدت تحقیر یا خوار نمودن مورد بحث می بایست به سطح خاصی برسد. البته ارزیابی در ماهیت این موارد، امری نسبی می باشد: این ارزیابی به همه شرایط و اوضاع و احوال پرونده و به ویژه به ماهیت و زمینه خود مجازات و نحوه و روش اجرای آن بستگی دارد (*Tyrer v. the United Kingdom*, 1978, § 30). یک مجازات ماهیت تحقیرکنندگی خود را از دست نمی دهد صرفاً به این دلیل که تصور می شود بطور موثری بازدارنده می باشد یا کمک مؤثری در کنترل ارتکاب جرم دارد، یا اینکه واقعاً این چنین است، و هرگز اعمال مجازات های مغایر با ماده 3، فارغ از هر گونه اثر بازدارندگی که ممکن است داشته باشد، مجاز نمی باشد (*Tyrer v. the United Kingdom*, 1978, § 31).

20. در این رابطه، دادگاه استراسبورگ تاکید نموده است که بین مفاهیم رفتار یا مجازات «تحقیرکننده» در راستای مفهوم ماده 3 کنوانسیون و احترام به «کرامت» انسانی، پیوند قوی خاصی وجود دارد (*Bouyid v. Belgium* [GC], 2015, § 90).

21. به عنوان مثال، یک رفتار یا مجازات، «تحقیرکننده» تلقی می شود هنگامی که:

■ یک فرد دارای معلولیت شدید در شرایط نامناسبی بازداشت شده بود که سرمای خطرناکی داشت، و به دلیل اینکه تخت او خیلی سفت یا برای وی غیرقابل دسترس بود، در معرض خطر ایجاد زخم قرار داشت و با این همه مشکلات، قادر به رفتن به توالت یا تمیز نگه داشتن خود نبود (*Price v. the United Kingdom*, 2001, § 30). همچنین به پرونده *Vincent v. France*, §§ 101-103, 2006, مراجعه کنید، که در آن خواهان، شخص فلجی بود که نمی توانست سلول خود را ترک کند و مستقلاً در زندان حرکت کند؛

■ موهای خواهان ها توسط اداره زندان بدون هیچ توجیه یا مبنای قانونی به زور تراشیده شد (*Yankov v. Bulgaria*, 2003, §§ 120-121). همچنین پرونده *Slyusarev v. Russia*, § 44, 2010, که در آن عینک خواهان پس از دستگیری به مدت پنج ماه بدون توجیه و مبنای قانونی ضبط گردید؛

■ یک خردسال تبعه خارجی و بدون همراه به دلیل عدم اجرای حکم قضایی در خصوص محل سکونتش از سوی مقامات مجبور شد در شرایطی پرمخاطره در یک حلی آباد زندگی کند (*Khan v. France*, 2019, §§ 94-95).

■ استفاده از قوه قهریه علیه خواهان ها هنگام تفتیش منزلشان که اقدامی کاملاً ضروری نبود (*Ilievi and Ganchevi v. Bulgaria*, 2021, §§ 56-57)؛

■ مجازات قضایی بدنی نسبت به خواهان اعمال شد (*Tyrer v. United Kingdom*, 1978, § 35)؛

■ مقامات نتوانستند تضمین نمایند که یک کودک دوازده ساله، که شاهد دستگیری والدینش بود، توسط یک بزرگسال تحت مراقبت قرار گیرد، چرا که والدینش در بازداشت پلیس بودند (*Ioan Pop and Others v. Romania*, 2016, § 65)؛

■ خواهان برای مدت طولانی در یک محیط بسیار شلوغ و غیربهداشتی در زندان در بازداشت بود (*Kalashnikov v. Russia*, 2002, § 102)؛

- خواهان به شیوه ای نامناسب در وضعیتی که برهنه بود تحت بازرسی قرار گرفت، مانند بیان اظهارات تحقیرآمیز (59 §, 2001, *wanczuk v. Poland*): همچنین رجوع کنید به *Valašinas v. Lithuania*, 2001, § 117, جایی که در آن خواهان در وضعیتی که برهنه بود جلوی یک افسر زن زندان و نگهبانان زندان، اندام های جنسی اش و همچنین غذایی که او دریافت کرده بود بدون دستکش مورد بررسی قرار گرفت؛
- بازداشت یک پناهجو به مدت سه ماه در اماکن پلیس در انتظار اعمال یک اقدام اداری، بدون دسترسی به هیچ گونه فعالیت تفریحی و بدون غذای مناسب (44-38 §, 2009, *Tabesh v. Greece*), همچنین رجوع کنید به پرونده [GC] *Z.A. and Others v. Russia*, 2019, § 195, که در آن خواهان ها، در انتظار درخواست پناهندگی شان بودند و در شرایط نامناسبی محبوس شدند که برای اقامت طولانی در منطقه ترانزیت فرودگاه مناسب نبود و همچنین در پرونده *N.H. and Others v. France*, 2020, § 184, که در آن پناهندگان تهی دست و فقیر بودند و چندین ماه به دلیل تاخیرهای اداری که آنها را از دریافت کمک های حمایتی که قانون پیش بینی کرده بود باز می داشت، در شرایط دشواری زندگی می کردند؛
- بیست و هفت فعال دگرپاش مورد آزار و اذیت کلامی وحشیانه و حملات فیزیکی توسط گروهی از تظاهرکنندگان مخالف قرار گرفتند و حمایت وعده داده شده توسط پلیس در زمان مقتضی و به اندازه کافی ارائه نشد (*Womens Initiatives Supporting Group and Others v. Georgia*, 2021, § 60)؛
- در نتیجه تعلل متخصصان بهداشت در ارائه آزمایشات ژنتیکی، خواهان که باردار بود، مجبور شد شش هفته سردرگمی آزاددهنده ای را در مورد سلامت جنین خود تحمل کند و در نهایت هنگامی که نتیجه آزمایش ها را به دست آورد، برای تصمیم گیری آگاهانه در مورد ادامه بارداری یا توسل به سقط جنین قانونی خیلی دیر شده بود (*R.R. v. Poland*, 2011, § 159).

ه. رابطه بین ماده 2 و 8 کنوانسیون

22. شرایط خاصی وجود دارد که رفتار مورد شکایت توسط خواهان می تواند در محدوده دو یا چند ماده از کنوانسیون مورد بررسی قرار گیرد. در چنین مواردی، بسته به شرایط و اوضاع و احوال، دادگاه استراسبورگ می تواند این شکایت را به طور جداگانه به موجب هر ماده بررسی نماید (برای مثال، پرونده *Mubilanzila Mayeka and Kaniki Mitunga v. Belgium*, 2006, و *D.P. and J.C. v. the United Kingdom*, 2002) یا در خصوص مواد مرتبط به (برای مثال، پرونده *M.C. v. Bulgaria*, 2003, مراجعه کنید). همچنین در صورت احراز نقض ماده 2 یا 3 کنوانسیون، ممکن است بررسی همان شکایت به موجب ماده 8 غیرضروری دانسته شود (به عنوان مثال، پرونده *Öneryıldız v. Turkey* [GC], 2004, و *Z and Others v. the United Kingdom*, 2001, [GC], را مشاهده کنید).
23. اصولاً هنگامی که یک شخص توسط مأموران دولتی مورد تعرض یا بدرفتاری قرار می گیرد، شکایات آنها طبق ماده 3 کنوانسیون مورد بررسی قرار می گیرد (76 §, 2000, *İlhan v. Turkey* [GC], 51 §, 2004, *Makaratzis v. Greece* [GC]). با این حال، در شرایط استثنایی، بسته به ملاحظات مانند شدت و نوع قوه قهریه مورد استفاده و ماهیت صدمات وارده، اعمال قوه قهریه توسط عوامل دولتی که منجر به مرگ نمی شود، ممکن است موجب نقض ماده 2 این کنوانسیون گردد، چنانچه رفتار مأموران دولت، ماهیتا، زندگی خواهان را در معرض خطر جدی قرار دهد، حتی اگر جان سالم به در ببرد (55 §, 2004, *Makaratzis v. Greece* [GC], 108-109 §, 2011, *Soare and Others v. Romania*, 55-§, 2011, *Trevalet v. Belgium*). (61)
24. در پرونده های مربوط به خواهان هایی که از یک حمله بالقوه مرگبار توسط عوامل غیردولتی جان سالم به در برده اند و پرونده های مربوط به استفاده از قوه قهریه توسط عوامل دولتی، دادگاه استراسبورگ رویکرد مشابهی را اتخاذ نموده است (69 §, 2012, *Yotova v. Bulgaria*).
25. علاوه براین، در صورتی که شدت یک رفتار کمتر از حدی باشد که در ماده 3 این کنوانسیون منع شده است، ممکن است با این وجود، با ماده 8 که از جمله از تمامیت فیزیکی و اخلاقی و جنبه های حق احترام به زندگی خصوصی افراد حمایت می کند، مغایرت داشته باشد (*Wainwright v. the United Kingdom*, 2006, § 43).
26. دادگاه استراسبورگ، برای مثال، دریافته است رفتاری که طبق ماده 3 به حداقل سطح شدت نرسیده باشد، ماده 8 را نقض می کند هنگامی که:
 - پرسنل نظامی به دلیل گراپشات جنسی خود مورد بازجویی قرار گرفته و اخراج شدند (-117 §, 1999, *Smith and Grady v. the United Kingdom*);

– یک کارخانه تصفیه زباله در نزدیکی خانه خواهان ایجاد مزاحمت می کرد (López Ostra v. Spain, 1994, §§ 58-60)؛

– بی ادبی توسط افسران زندان به موجب بازرسی بدنی ملاقات کنندگان در زندان در وضعیتی که آنان را مجبور کرده بودند تا لباس هایشان را از تن بیرون بیاورند، اگرچه که هیچ تماس فیزیکی یا آزار کلامی وجود نداشت (Wainwright v. the United Kingdom, 2006, §§ 44-49)؛

– خواهان به دلیل قصور مقامات در اتخاذ اقدامات کافی علیه سگ های ولگرد توسط یک دسته از این سگ ها مورد حمله قرار گرفت (Georgel and Georgeta Stoicescu v. Romania, 2011, § 45).

2. ممنوعیت شکنجه، رفتار یا مجازات غیرانسانی یا تحقیرآمیز اعمال شده یا تسهیل شده توسط عوامل دولتی

ماده 3 کنوانسیون

"هیچ کسی نمی بایست تحت شکنجه یا رفتار یا مجازات غیرانسانی یا تحقیرآمیز قرار گیرد"

الف. اظهارات اولیه

27. یک دولت متعهد به موجب این کنوانسیون مسئول نقض حقوق بشر ناشی از اعمال مامورانش در راستای انجام وظایفشان خواهد بود. دادگاه استراسبورگ مقرر داشته است که در مواردی که سوء رفتار انجام شده توسط یک عامل دولتی غیرقانونی باشد، این سوال که آیا این گونه بدرفتاری های انجام شده توسط مامورین دولتی را می توان به یک دولت نسبت داد یا خیر، مستلزم ارزیابی همه شرایط و اوضاع و احوال و در نظر گرفتن ماهیت و شرایط رفتار مورد بحث می باشد. مضاف بر آن، اینکه یک شخص در راستای مفاد این کنوانسیون نماینده دولت تلقی می شود یا خیر، بر اساس عوامل متعددی تعریف می شود که هیچ یک به تنهایی تعیین کننده نمی باشد. معیارهای کلیدی مورد استفاده برای تعیین اینکه آیا دولت در قبال اعمال یک شخص مسئول است یا نه، یا اینکه آن شخص رسماً یک مقام دولتی – عمومی می باشد یا خیر به شرح ذیل است: نحوه انتصاب، نظارت و پاسخگویی، اهداف، اختیارات و وظایف شخص مورد نظر (V.K. v. Russia, 2017, § 174).

28. در ارتباط با موارد فوق، رضایت یا همدستی مقامات یک دولت متعهد در مورد اشخاص خصوصی که با اقدامات خود حقوق سایر افراد در قلمرو و صلاحیت قضایی آن دولت را برخلاف مفاد کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نقض می کنند، ممکن است بر اساس این کنوانسیون موجب مسئولیت آن دولت گردد (Chernega and Others v. Ukraine, 2019, § 127).

ب. ارزیابی شواهد

29. در موارد ادعای نقض ماده 3 این کنوانسیون می بایست به هنگام ارزیابی شواهد، به ویژه، از طریق بررسی دقیق و موشکافانه اقدام نمود. در مواردی که رسیدگی توسط محاکم داخلی کشورها انجام شده باشد، وظیفه دادگاه استراسبورگ این نیست که ارزیابی خود را جایگزین ارزیابی دادگاه های داخلی (ملی) نماید، چرا که به عنوان یک قاعده، این بر عهده محاکم داخلی کشورهاست که مدارک موجود نزد خود را ارزیابی کنند، این در حالی است که در پرونده های راجع به ماده 3، دادگاه استراسبورگ آماده است تا انتقادات بیشتری نسبت به آرا محاکم داخلی داشته باشد، در شرایط عادی این امر مستلزم عناصر قانع کننده و متقنی می باشد که منجر به عدول از احکام موضوعی آن محاکم می گردد (Cestaro v. Italy, 2015, § 164) و پرونده هایی که در آن ذکر شده است).

30. در مواردی که گزارش های متناقضی راجع به وقایع وجود دارد، دادگاه استراسبورگ به طور اجتناب ناپذیری هنگام اثبات حقایق با همان مشکلاتی که هر دادگاه بدوی با آن مواجه است، مواجه می شود. خاص بودن وظیفه دادگاه استراسبورگ بر اساس ماده 19 کنوانسیون – به منظور اطمینان از رعایت تعهدات کشورهای متعهد برای تضمین حقوق اساسی مندرج در این کنوانسیون – مشروط به رویکرد این دادگاه نسبت به مسائل راجع به شواهد و ادله و اثبات آن می باشد (El-Masri v. the former Yugoslav Republic of Macedonia [GC], 2012, § 151).

1. معیار اثبات ادله

31. ادعاهای راجع به رفتارهای برخلاف ماده 3 می بایست با شواهد و ادله مناسب مورد اثبات واقع شوند. برای ارزیابی این شواهد، دادگاه استراسبورگ معیار شواهد "فراتر از شک معقول" را اتخاذ می کند، اما اضافه می نماید که چنین شواهدی ممکن است از همزیستی و سازگاری استنتاج ها و استنباط های به اندازه کافی مستدل، واضح و موافق یا پیش فرض های واقعی و قطعی مشابه ناشی شود (*Salman v. Turkey* [GC], 2000, § 100; *Bouyid v. Belgium* [GC], 2015, § 82).

2. بار اثبات ادله

32. سطح و میزان اقتناع لازم برای رسیدن به یک نتیجه خاص، و در این رابطه، توزیع بار اثبات ادله به طور ذاتی با ویژگی واقعیات، ماهیت ادعای مطرح شده و حق مورد بحث در کنوانسیون مرتبط می باشد (*El-Masri v. the former Yugoslav Republic of Macedonia* [GC], 2012, § 151).

33. رسیدگی های راجع به این کنوانسیون در همه موارد مستلزم اجرای دقیق اصل "affirmanti incumbit probatio" - یعنی کسی که چیزی را ادعا می کند می بایست آن ادعا را ثابت کند- نمی باشد (*Blokhin v. Russia* [GC], 2016, § 140). در مواردی که وقایع مورد بحث به طور کامل یا تا حد زیادی در حیطه آگاهی انحصاری مقامات داخلی باشد، مانند موارد راجع به افرادی که تحت نظارت و کنترل آن مقامات بطور مثال در بازداشت هستند، فرضیات موضوعی قوی در رابطه با صدمات رخ داده در طول چنین بازداشت هایی مطرح می شود که بار اثبات بر عهده آن دولت می باشد تا نسبت به ارائه توضیحی متقاعدکننده و رضایت بخش از طریق طرح شواهد اثبات کننده حقایقی که توسط قربانی با توجه به وقایع معین مورد تردید واقع می شود، اقدام نماید (*Salman v. Turkey* [GC], 2000, § 100). در فقدان چنین توضیحی، دادگاه استراسبورگ می تواند به گونه ای نتیجه گیری نماید که ممکن است برای دولت خوانده خوشایند نباشد (*Bouyid v. Belgium* [GC], 2015, § 83).

34. اصل فوق الذکر نسبت به تمام مواردی که در آن یک شخص تحت کنترل پلیس یا مقام مشابهی می باشد، اعمال می شود (*Bouyid v. Belgium* [GC], 2015, § 84).

ج. اعمال قوه قهریه توسط عوامل دولتی

1. ملاحظات کلی

35. همانطور که در بالا ذکر شد، در مواردی که یک فرد از آزادی خود محروم می شود یا به طور کلی تر، با مامورین مجری قانون مواجه می شود، هر گونه توسل به قوه قهریه فیزیکی که بر اساس رفتار این فرد کاملاً ضروری نبوده است، کرامت انسانی فرد را مخدوش می سازد و اصولاً نقض حق مندرج در ماده 3 این کنوانسیون تلقی می گردد. در این رابطه، دادگاه استراسبورگ تأکید نموده است که عبارت "اصولاً" را نمی توان به این معنا دانست که ممکن است شرایطی وجود داشته باشد که در آن چنین نتیجه گیری راجع به نقض یک حق صورت نمی گیرد، زیرا آستانه شدت مورد نظر محقق نشده است. بنابراین، هر گونه اقدام در تضییع کرامت انسانی یک فرد، اساس و ذات کنوانسیون را مخدوش می سازد. به همین دلیل، هر گونه رفتار تضییع کننده کرامت انسانی یک فرد توسط افسران مجری قانون به منزله نقض ماده 3 کنوانسیون تلقی می شود. این امر، به ویژه در مورد استفاده آنها از قوه قهریه فیزیکی علیه یک فرد، در جایی که با توجه به رفتار وی، آن اقدام قهری کاملاً ضروری نبوده، صرف نظر از تأثیری که ممکن است بر شخص مورد نظر داشته باشد، صدق می کند (*Bouyid v. Belgium* [GC], 2015, §§ 100-101).

36. دادگاه استراسبورگ علاوه بر این تأکید نموده است که ماده 3 کاربرد قوه قهریه توسط عوامل دولتی را در برخی شرایط کاملاً مشخص، مانند اقدام به دستگیری را ممنوع نمی سازد. با این حال، چنین قوه قهریه ای فقط در صورت ضرورت می تواند مورد استفاده قرار گیرد و نباید بیش از حد باشد (*Necdet Bulut v. Turkey*, 2007, § 23; *Shmorgunov and Others v. Ukraine*, 2021, § 359). در این رابطه، برای مثال، این مهم است که آیا دلیلی وجود دارد که باور کنیم فرد مورد نظر که در مقابل دستگیری مقاومت یا فرار می کند، می تواند باعث آسیب یا خسارت شود یا شواهد را از بین ببرد (*Mafalani v. Croatia*, 2015, § 120 و پرونده هایی که در آن ذکر شده است).

37. برای مثال، دادگاه استراسبورگ دریافت که روش های به کار گرفته شده توسط پلیس، از جمله استفاده از باتوم برای کنترل خواهان در جریان بررسی هویت وی، نامتناسب بوده است، زیرا خواهان مسلح نبوده و حتی قبل از اینکه به زمین چسبانده شود، تا حد زیادی منفعَل بوده است، حتی اگر او یکی از

افسران پلیس را گاز گرفته باشد (Dembele v. Switzerland, 2013, § 47): همچنین به پرونده A.P. v. Slovakia, 62, § 2020 مراجعه کنید، که در آن خواهان به افسران آب دهان انداخت و سعی کرد به آنها مشت بزند.

38. در مقابل، دادگاه استراسبورگ دریافت که قوه قهریه اعمال شده بر خواهان ها - بدنسازان - که در جریان دستگیری در مقابل افسران پلیس مقاومت کرده و به آنها حمله ور شده بودند، به دلیل رفتار خودشان ضروری بوده است (Berliński v. Poland, 2002, § 62); همچنین به پرونده Barta v. Hungary, 72, § 2007, مراجعه کنید، جایی که خواهان در جریان دستگیری که در آن مانع افسر پلیس گردید و موجب وارد شدن جراحاتی به وی شد و در پرونده P.M. and F.F. v. France, 88, § 2021, جایی که خواهان ها در حالی که مست بودند در حین دستگیری به جرم آسیب رساندن به اموال خصوصی، جراحاتی به مامورین وارد نمودند.

39. علاوه بر این، در چارچوب یک عملیات پلیسی که اهداف مشروع را دنبال می کند، مانند اقدام به یک دستگیری، تفتیش و توقیف کالاها و همچنین در راستای منافع عمومی از تعقیب جرایم جنایی، دادگاه استراسبورگ قبلاً دریافت کرده است که حضور احتمالی اعضای خانواده، به ویژه، کودکانی با سن کم که آنها را از نظر روانی آسیب پذیر می سازد، در صحنه دستگیری عاملی است که می بایست در برنامه ریزی و اجرای آن عملیات مورد ملاحظه قرار گیرد (Gutsanovi v. Bulgaria, 2013, § 132). در پرونده Gutsanovi v. Bulgaria, 2013, دادگاه استراسبورگ دریافت این واقعیت که عملیات پلیس در ساعات اولیه صبح انجام شده و با دخالت ماموران ویژه ای که ماسک بر صورت داشتند، باعث تشدید احساس ترس و اضطراب کودکانی شد که شاهد دستگیری پدرشان بودند، چرا که رفتاری که آنها در معرض آن قرار گرفته بودند از آستانه شدت مورد لزوم فراتر رفته بود (134 §); همچنین رجوع کنید به پرونده A. v. Russia, 67, § 2019, جایی که یک کودک نه ساله شاهد دستگیری خشونت آمیز پدرش بود که مقاومت نمی کرد و در مقابل در پرونده Ilievi and Ganchevi v. Bulgaria, 60, § 2021, که در آن همه اعضای خانواده که شاهد دستگیری بستگان شان در خانه خود بودند، بزرگسال بودند.

40. به منظور استفاده از قوه قهریه در زمینه خاص بازداشت، به راهنمایی بر رویه قضایی در مورد حقوق زندانیان و در زمینه خاص اجتماعات و تظاهرات عمومی، به راهنمایی بر رویه قضایی راجع به اعتراضات جمعی مراجعه کنید.

2. استفاده از ابزارهای خاص یا اقدامات بازدارنده

41. استفاده از ابزارهای بازدارنده، مانند دستبند، معمولاً منجر به طرح مسئله ای در راستای مفاد ماده 3 کنوانسیون نمی شود، چنانچه این اقدام تحمیل شده در ارتباط با دستگیری یا بازداشت قانونی باشد و مستلزم استفاده از قوه قهریه یا قرار گرفتن در معرض دید عموم، بیش از آنچه منطقی در آن شرایط و اوضاع و احوال ضروری تلقی می گردد، نباشد (Shlykov and Others v. Russia, 2021, § 72). دادگاه استراسبورگ به شرایط و اوضاع و احوال هر پرونده اهمیت خاصی می بخشد و بررسی می کند که آیا اعمال این اقدامات بازدارنده ضروری بوده است یا خیر (Pranjić-M-Lukić v. Bosnia and Herzegovina, 2020, § 72). در این رابطه، برای مثال، این مهم است که آیا دلیلی وجود دارد که باور کنیم فرد مورد نظر در مقابل دستگیری مقاومت می کند یا سعی می کند فرار کند یا باعث صدمه یا خسارت یا از بین بردن شواهد می شود (Svinarenko and Slyadnev v. Russia [GC], 2014, § 117).

42. به ویژه، دادگاه استراسبورگ مقرر داشته است که استفاده از دستبند می تواند در مواردی خاص، مانند انتقال زندانی به خارج از زندان، مجاز باشد. بنابراین، هنگامی که برای دوره های زمانی کوتاه استفاده می شود یا زمانی که یک اقدام شخصی و موردی قابل بررسی در رابطه با خواهان محسوب می شود که در اینجا استفاده از دستبند با توجه به ارزیابی ریسک موردی بر اساس رفتار خواهان انجام می شود (Shlykov and Others v. Russia, 2021, § 73). دادگاه استراسبورگ هنگام سنجش میزان شدت در این زمینه، عوامل مختلفی را مورد ارزیابی قرار می دهد، مانند: شدت و سنگینی مجازات خواهان؛ سابقه کیفری و سابقه خشونت او؛ انطباق این اقدام با قوانین داخلی؛ تناسب این اقدام در مقابل رفتار فرد؛ قانونی بودن بازداشت؛ ماهیت عمومی و همگانی این رفتار؛ پیامدهای آن برای سلامتی فرد؛ وضعیت سلامت خواهان؛ سایر ترتیبات اعمال شده؛ و مدت زمانی که دستبند زده شده بود (Shlykov and Others v. Russia, 2021, § 73) و پرونده هایی که در آن ذکر شده است).

43. در مورد استفاده از اسپری فلفل به هنگام اجرای قانون، دادگاه استراسبورگ توصیه های کمیته اروپایی "جلوگیری از شکنجه و رفتار یا مجازات غیرانسانی یا تحقیرآمیز" (CPT) را تایید نموده است. به گفته کمیته اروپایی جلوگیری از شکنجه و رفتار یا مجازات های غیرانسانی و تحقیرآمیز اسپری فلفل یک ماده بالقوه خطرناک است و نباید در فضاهای سر بسته استفاده شود؛ اگر به طور استثنایی نیاز به استفاده در فضاهای باز باشد، باید تدابیر حفاظتی کاملاً مشخصی در محل وجود داشته باشد (Tali v. Estonia, 2014, § 78). به ویژه، هرگز نباید علیه شخصی که قبلاً تحت کنترل قرار گرفته است بکار رود (İzci v. Turkey, 2013, §§ 40-41 and Ali Güneş v. Turkey, 2012, §§ 39-40).

44. به همین ترتیب، دادگاه استراسبورگ همچنین به حق شرط های موثر کمیته اروپایی "جلوگیری از شکنجه و رفتارها یا مجازات های غیرانسانی و تحقیرآمیز" در مورد استفاده از سلاح های الکتروشوک، به ویژه، زمانی که در حالت تماسی استفاده می شود، اشاره کرده است، زیرا باعث درد شدید و ناتوانی موقتی می شود. در این راستا، دادگاه استراسبورگ تاکید نموده است که افسران آموزش دیده مجری قانون، زمانی که در فاصله نزدیک با فردی هستند که باید تحت کنترل آنها قرار گیرد، می توانند به بسیاری از تکنیک های کنترلی دیگری نیز متوسل شوند (*Anzhelo Georgiev and Others v. Bulgaria*, 2014 §§ 75-76).

45. در مورد نگهداشتن یک فرد در قفس فلزی در جریان یک محاکمه - دادگاه استراسبورگ دریافته است که چنین اقدامی با توجه به ماهیت تحقیرآمیز عینی آن که با معیارهای رفتار متمددانه که مشخصه یک جامعه دموکراتیک می باشد ناسازگار است، بنابراین، این اقدام به خودی خود بی حرمتی به کرامت انسانی در نقض ماده 3 کنوانسیون محسوب می شود (*Svinarenko and Slyadnev v. Russia* [GC], 2014, § 138); همچنین به پرونده *Karachentsev v. Russia*, 2018, § 53، مراجعه کنید، که خواهان در جلسه رسیدگی خود از طریق ارتباط ویدئویی در یک قفس فلزی از داخل زندان شرکت کرد بود. در مقابل، قرار دادن متهمان در پشت دیواره های شیشه ای یا در کابین های شیشه ای به خودی خود حاوی عنصر تحقیر کافی برای رسیدن به حداقل سطح شدت لازم نمی باشد. با این حال، این سطح ممکن است به دست آید، چنانچه شرایط و اوضاع و احوال حبس آنها در پشت دیواره های شیشه ای یا در کابین های شیشه ای، به طور کلی، باعث ناراحتی یا سختی بسیار فراتر از سطح اجتناب ناپذیر رنج ذاتی (معمول) در بازداشت گردد (*Yaroslav Belousov v. Russia*, 2016, § 125).

46. برای استفاده از این تکنیک ها و سایر روش ها در زمینه خاص بازداشت، به راهنمایی بر رویه قضایی در مورد حقوق زندانیان مراجعه کنید.

د. تفتیش بدنی غیرمتعارف یا از طریق برهنه نمودن شخص

47. بازرسی بدنی لخت و عریان و بسیار خصوصی که در حین دستگیری انجام می شود، با ماده 3 این کنوانسیون سازگار خواهد بود، مشروط بر اینکه به شیوه ای مناسب و با احترامی مقتضی به کرامت انسانی و در راستای تحقق یک هدف مشروع انجام شود (*Wieser v. Austria*, 2007, § 39); همچنین به پرونده *Roth v. Germany*, 2020, § 65 مراجعه کنید که در زمینه بازداشت و راهنمایی بر رویه قضایی در مورد حقوق زندانیان می باشد.

و. خدمت سربازی

48. خدمت سربازی اجباری اغلب متضمن عناصری از رنج و تحقیر می باشد، مانند اقداماتی که یک فرد را از آزادی اش محروم می کند. با این حال، بسیاری از اعمالی که به منزله رفتار تحقیرآمیز یا غیرانسانی با زندانیان تلقی می شود ممکن است در صورت وقوع در نیروهای مسلح، آستانه بدرفتاری مورد لزوم به موجب مفاد ماده 3 این کنوانسیون را نداشته باشد، مشروط بر اینکه به مأموریت خاص نیروهای مسلح کمک کنند، بدین معنی که آن اقدامات بخشی از به عنوان مثال، فرایند آموزش برای شرایط میدان جنگ باشند (*Chember v. Russia*, 2008, § 49).

49. با این وجود، یک دولت موظف است تضمین نماید که یک فرد خدمت سربازی اش را در شرایطی انجام می دهد که با کرامت انسانی او سازگار است، بدین معنا که روش ها و رویه های آموزش نظامی او را در معرض پریشانی یا رنجی با شدتی بیش از حد نسبت به سطح اجتناب ناپذیر سختی ذاتی (معمول) ناشی از نظم و انضباط نظامی قرار نمی دهد و اینکه با توجه به نیازهای عملی چنین خدمتی، سلامت و رفاه او به اندازه کافی با ارائه کمک های پزشکی مورد نیاز او تامین می شود (*Chember v. Russia*, 2008, § 50).

50. حتی در خصوص تمرین های بدنی چالش برانگیزی که ممکن است بخشی از نظم و انضباط نظامی باشد، دادگاه استراسبورگ تاکید نموده است که به منظور مطابقت با مفاد ماده 3 کنوانسیون، نباید از سطحی فراتر رود که بیش از آن سلامت و رفاه سربازان وظیفه را به خطر بیندازد یا کرامت انسانی آنها را مخدوش سازد (*Chember v. Russia*, 2008, § 51).

51. دادگاه استراسبورگ، برای مثال، در رابطه با مردی با مشکلات زانو که به دلیل تمیز نکردن کامل پادگان، به انجام 350 بار "بلند پاشو" به عنوان مجازات محکوم شده بود، نقض مفاد ماده 3 را احراز نمود (*Chember v. Russia*, 2008, §§ 52-57). به همین ترتیب، ماده 3 همچنین در پرونده *Taştan v. Turkey*, 2008، نقض شد، زمانی که یک مرد 71 ساله برای انجام خدمت سربازی فراخوانده شده و مجبور به شرکت در آموزش هایی گردید که برای افراد بسیار جوان تر طراحی شده بود (§ 31). دادگاه استراسبورگ همچنین بر این باور بود که ماده 3 در پرونده *Lyalyakin v. Russia*, 2015، نقض شده است، جایی که سرباز وظیفه ای که سعی کرده بود فرار کند مجبور شد که تنها با پوشیدن شورت نظامی خود در مقابل گردان بایستد (§§ 72-79).

ه. شرایط بازداشت

52. برای اینکه بازداشت مشخصاً مشمول ماده 3 کنوانسیون قرار گیرد، می بایست رنج و تحقیر مربوطه از مولفه اجتناب ناپذیر رنج و تحقیر معمول ناشی از خود سلب آزادی فراتر رود. آنگونه که گفته شد، مقامات می بایست تضمین نمایند که یک فرد در شرایطی بازداشت می شود که مطابق با کرامت انسانی وی می باشد، بدین معنی که نحوه و روش اجرای مجازات حبس یا دیگر انواع اقدام به بازداشت، فرد مورد نظر را در معرض ناراحتی یا سختی بیش از آنچه که بطور اجتناب ناپذیری رنج و سختی ذاتی وضعیت بازداشت می باشد، قرار نمی دهد و با توجه به تقاضاهای عملی در زمان حبس، سلامت و رفاه این شخص به اندازه کافی تأمین می شود (Neshkov and Others v. Bulgaria, 2015, § 227 and Muršić v. Croatia [GC], 2016, § 99).

53. هنگام ارزیابی شرایط بازداشت، باید اثرات قابل ملاحظه این شرایط، همچنین ادعاهای خاص مطرح شده توسط خواهان در نظر گرفته شود. مدت زمان بازداشت فرد در شرایط خاص نیز می بایست مورد توجه قرار گیرد (Ananyev and Others v. Russia, 2012, § 142; Idalov v. Russia [GC], (, Muršić v. Croatia [GC], 2016, § 94 and 2012).

54. اطلاعات دقیق تر را می توان در راهنمایی بر رویه قضایی در مورد حقوق زندانیان مشاهده نمود.

ز. معالجه پزشکی در بازداشت

55. ماده 3 تعهدی را بر دولت ها تحمیل می کند تا از رفاه جسمانی افرادی که از آزادی خود محروم شده اند، از جمله با ارائه مراقبت های پزشکی لازم از آنها حمایت کند (Blokhin v. Russia [GC], 2016, § 136 and Mozer v. Moldova and Russia [GC], § 178).

56. در این رابطه، صرف این واقعیت که یک زندانی توسط یک پزشک ویزیت شده و نوع خاصی از درمان را تجویز کرده است را نمی توان به طور خودکار منتهی به این نتیجه نمود که خدمات پزشکی کافی بوده است. مقامات همچنین می بایست تضمین نمایند که سابقه جامعی در مورد وضعیت سلامتی و معالجه زندانی در حین بازداشت وجود دارد و در آنجا نگهداری می شود که تشخیص و مراقبت سریع و دقیق را در صورت لزوم به دلیل ماهیت یک وضعیت پزشکی ممکن می سازد، چنین نظارت و مراقبتی می بایست سیستماتیک و منظم باشد و شامل یک استراتژی درمانی جامع با هدف درمانی کافی و مناسب مشکلات سلامتی زندانی یا جلوگیری از تشدید آنها، به جای پرداختن به آنها بر اساس علائم و نشانه ها باشد. همچنین مقامات می بایست نشان دهد که در شرایط و اوضاع و احوال بوجود آمده، درمان لازم تجویز و در عمل پیگیری شده و به سرانجام رسیده است. علاوه براین، معالجات پزشکی ارائه شده در موسسات و نهادهای زندان می بایست مناسب باشد، یعنی در سطحی قابل مقایسه با آنچه که مقامات دولتی خود متعهد شده اند که به کل جمعیت ارائه نمایند، باشد. با این وجود، این بدان معنا نیست که هر زندانی می بایست از همان سطح درمان پزشکی برخوردار باشد که در بهترین مراکز بهداشتی خارج از زندان وجود دارد. با این حال، در مواردی که امکان درمان در محل بازداشت وجود ندارد، می بایست امکان انتقال فرد بازداشت شده به بیمارستان یا یک واحد تخصصی وجود داشته باشد (Rooman v. Belgium [GC], 2019, §§ 147-148).

57. اطلاعات دقیق تر را می توان در راهنمایی بر رویه قضایی در مورد حقوق زندانیان مشاهده نمود.

ح. درد و رنج بستگان قربانی

1. اظهارات اولیه

58. دادگاه استراسبورگ همواره در رویه قضایی خود نسبت به تاثیر روانی عمیق نقض جدی حقوق بشر بر اعضای خانواده قربانی که در دادگاه به عنوان خواهان می باشند، حساس بوده است. با این حال، برای اینکه نقض جداگانه ای به موجب ماده 3 کنوانسیون در مورد بستگان قربانی احراز شود، می بایست در عمل عوامل خاصی وجود داشته باشد که به درد و رنج آنها بعد و ویژگی متمایزی از درد و رنج و پریشانی عاطفی اجتناب ناپذیر ناشی از خود نقض فوق الذکر دهد (Janowiec and Others v. Russia [GC], 2013, § 177). رویه قضایی تحت این عنوان عمدتاً در رابطه با بستگان افراد ناپدید شده ایجاد شده است. با این حال، دادگاه استراسبورگ به طور استثنایی اصول مقرر در پرونده های ناپدید شدن را در موارد غیر مرتبط با ناپدید شدن نیز اعمال کرده است (Nicolae Virgiliu Tănase v. Romania [GC], 2019, § 227).

2. بستگان افراد ناپدید شده

59. پدیده ناپدید شدن بار خاصی را بر دوش بستگان مفقودین تحمیل می کند که از سرنوشت عزیزان خود بی خبر مانده و از اضطراب ناشی از بلا تکلیفی رنج می برند. بنابراین، رویه قضایی دادگاه استراسبورگ از همان ابتدا نشان داد که وضعیت این بستگان ممکن است به منزله نوعی رفتار غیرانسانی و تحقیرآمیز برخلاف مفاد ماده 3 باشد. ماهیت و اساس نقض این نیست که یک نقض جدی حقوق بشر در مورد فرد گمشده صورت گرفته است. به عبارتی، این موضوع یعنی ماهیت و اساس نقض در مورد فرد گمشده مبتنی بر واکنش ها و نگرش های مقامات نسبت به وضعیتی است که مورد توجه آنها قرار گرفته است (200 [GC], 2009, § 200). *Varnava and Others v. Turkey*.

60. سایر عوامل مرتبط عبارتند از نزدیکی و ارتباط خانوادگی، شرایط خاص رابطه، میزان و اندازه ای که عضو خانواده شاهد وقایع مورد بحث بوده است، و دخالت و درگیری عضو خانواده در تلاش برای کسب اطلاعات درباره فرد ناپدید شده. احراز چنین نقضی محدود به مواردی نیست که دولت خوانده مسئول ناپدید شدن شخصی شناخته شده است، بلکه می توان در موارد عدم اقدام مقامات برای جستجوی اطلاعات از طریق بستگان، بستگانی که بار عمده تلاش ها برای کشف حقایق را متحمل می شوند، یا عدم اقدام در رفع موانعی که بر سر راه آنها قرار گرفته است، نیز این نقض را احراز نمود که البته این خود ممکن است به منزله ناپدیده انگاشتن فاحش، مستمر و بی رحمانه ی تعهد به پاسخگویی درباره محل اختفاء و سرنوشت یک فرد گمشده تلقی شود (200 [GC], 2009, § 200; *Janowiec and Others v. Russia* [GC], 2013, § 178).

61. به عنوان مثال، در پرونده *Orhan v. Turkey*، 2002، خواهان شکایت کرد که ناپدید شدن پسر بزرگ او و دو برادرش باعث درد و رنج او و موجب نقض ماده 3 شده است. دادگاه استراسبورگ خاطرنشان ساخت که خواهان حضور داشته و شاهد بوده است که پسر و برادرانش با سربازان روستا را ترک کردند و اینکه تقریباً هشت سال پیش ناپدید شده بودند. همچنین دادگاه استراسبورگ اظهار داشت که خواهان سنگینی پیگیری جستجوها و پرس و جوها و دادخواست های متعدد را متحمل شده است و اینکه هرگز اطلاعات یا توضیحاتی از مقامات دریافت نکرده و از نتیجه تحقیقات پیگیری شده نیز مطلع نشده است. همچنین دادگاه استراسبورگ خاطرنشان ساخت که خواهان احساس امنیت در روستا و خانه اش را از دست داده بود. همه این عوامل باعث شد که این دادگاه به این نتیجه برسد که سردرگمی و دلهره ای که خواهان طی یک دوره طولانی و مستمر متحمل شده بود باعث اضطراب و ناراحتی شدید روانی وی گردیده است که برخلاف مفاد ماده 3 محسوب می شود (359-360 §§). همچنین به پرونده *Imakayeva v. Russia*، 165 §، 2006، مراجعه کنید، جایی که دادگاه استراسبورگ همچنین تاکید می نماید که مقامات به طور غیرقابل توجیهی مانع از دسترسی خواهان به اسناد فایل های تحقیقات جنایی شده بودند، اسنادی که می توانست سرنوشت بستگان ناپدید شده او را مستقیماً یا از طریق رسیدگی در دادگاه اروپایی حقوق بشر روشن سازد؛ و در پرونده *Enzile Özdemir v. Turkey*، 64-65 §§، 2008، که در آن دادگاه استراسبورگ همچنین بر وجود مهر رسمی که بازداشت شوهر خواهان را تایید می کرد، تاکید نمود. بنابراین، خواهان از مکان تقریبی ناپدید شدن شوهرش اطمینان یافت، که بعداً توسط مقامات بدون هیچ توضیحی رد شد.

62. در مقابل، دادگاه استراسبورگ نقض ماده 3 را در رابطه با ناپدید شدن شوهر خواهان علیرغم ادعای تهدید حیات وی، احراز نکرد، زیرا او نه شاهد وقایع مورد ادعا در خصوص ناپدید شدن شوهرش بوده و نه دخالت و درگیری خود را در تحقیقات در حال انجام اثبات کرده بود (*Nesibe Haran v. Turkey*، 2005، §§ 83-84)؛ همچنین رجوع کنید به پرونده *Kagirov v. Russia*، 113 §، 2015، جایی که دادگاه استراسبورگ متقاعد نشده بود که رفتار مقامات تحقیق، در عین سهل انگاری، به شدت لازم به موجب مفاد ماده 3 کنوانسیون رسیده باشد.

3. مرگ های تایید شده

63. دادگاه استراسبورگ در شرایطی که یک فرد بازداشت می شود اما بعداً به دنبال یک دوره نسبتاً کوتاه ابهام و سردرگمی در مورد سرنوشت او، مرده پیدا می شود، رویکرد مضیق تری اتخاذ می کند. در یک سری از پرونده های مربوط به چینی ها که در آن خواهان ها شاهد قتل بستگان خود نبوده اند، اما تنها با کشف اجساد آنها متوجه مرگ آنها شده بودند، دادگاه استراسبورگ معتقد بود که هیچ گونه احراز جداگانه نقض ماده 3 ضرری نمی باشد، با توجه به اینکه این دادگاه قبلاً نقض مفاد ماده 2 کنوانسیون را در جنبه های ماهوی و شکلی آن احراز کرده بود. علاوه بر این، در پرونده های مربوط به افرادی که توسط مقامات برخلاف ماده 2 کشته شده اند، دادگاه استراسبورگ مقرر داشته است که اعمال ماده 3 معمولاً، به دلیل ماهیت آنی و لحظه ای واقعه ای که باعث مرگ مورد بحث شده است، به اقوام تسری داده نمی شود. یک رای جداگانه به نقض ماده 3 تنها در شرایط مرگ تایید شده احراز می شود، جایی که خواهان ها شاهد مستقیم رنج اعضای خانواده خود بوده اند. (179-181 §§ [GC], 2013, *Janowiec and Others v. Russia*). و پرونده هایی که در آن ذکر شده است).

4. برخورد با اجساد

64. دادگاه استراسبورگ مقرر داشته است که اهلیت انسان در هنگام مرگ از بین می رود و بنابراین، ممنوعیت بدرفتاری دیگر برای اجساد قابل اعمال نیست (AkpInar and Altun v. Turkey, 2007, § 82). با این حال، رفتار سوء با اجساد منجر به نقض مفاد ماده 3 در رابطه با بستگان متوفی شده است (§§ 84-87).

65. در پرونده *Khadzhaliev and Others v. Russia*, 2008، دادگاه استراسبورگ نقض ماده 3 را احراز نمود، جایی که خواهان ها نمی توانستند اجساد تکه تکه شده و سر بریده شده فرزندان خود را به روشی مناسب دفن کنند، زیرا تنها بخش هایی از بقایای اجساد پیدا شده بود (121 §). در پرونده *Akkum v. Turkey*, 2005، ماده 3 در رابطه با پدری که جسد مثله شده پسرش به او داده شده بود، نقض شد (259 §). در پرونده *Elberte v. Latvia*, 2015، دادگاه استراسبورگ نقض ماده 3 را به دلیل برداشتن بافت از شوهر متوفی خواهان بدون رضایت یا آگاهی قبلی و مغایر با قوانین داخلی، احراز نمود (143 §).

66. در پرونده *Cangöz and Others v. Turkey*, 2016، جایی که اجساد بستگان خواهان ها که توسط سربازان کشته شده بودند و به یک پایگاه نظامی آوردند، هیچ نقضی صورت نگرفته بود. در آنجا آنها را در فضای باز در مکانی قرار دادند که سربازان می توانستند آنها را ببینند، بنابراین، لباس ها را از تن اجساد درآوردند و توسط دادستان و دو پزشک معاینه نمودند. دادگاه استراسبورگ اعلام کرد، صرف نظر از اینکه خواهان ها اجساد را شخصا دیده باشند یا خیر، آگاهی آنها از شرایط معاینه اجساد بستگانشان، منجر به رنج روحی آنان شده بود. با این حال، با توجه به هدف و مقصود از این رفتار (انجام معاینه اجساد)، شرایط و احوال پیرامون آن، درد و رنج خواهان ها بعد و ویژگی متمایزی بلحاظ ناراحتی عاطفی که ممکن است بطور اجتناب ناپذیری برای هر یک از اعضای خانواده متوفی در موقعیتی مشابه ایجاد شود، نداشته است (157-168 §§ *Cangöz and Others v. Turkey*, 2016).

5. سایر موارد

67. پرونده *Mubilanzila Mayeka and Kaniki Mitunga v Belgium*, 2006، به بازداشت و اخراج یک پناهجوی خردسال بدون همراه مربوط می شود. دادگاه استراسبورگ، با توجه به رفتار مقامات ملی (داخلی) دریافت که خواهان اول - مادر یک کودک پنج ساله بازداشت شده - در نتیجه بازداشت دخترش دچار ناراحتی و اضطراب شدید شده بود. با توجه به شرایط و احوال پرونده، دادگاه استراسبورگ به این نتیجه رسید که سطح شدت مورد نیاز برای نقض ماده 3 محقق شده بود (55-59 §§). در مقابل، دادگاه استراسبورگ دریافت که اضطراب احساس شده توسط مادر یک کودک هشت ساله، که یک روز را در اداره پلیس در جریان تحقیقات از وی بدون آنکه به مقامات ذیصلاح گزارش شود، گذرانده بود، از شدت حداقلی لازم برخوردار نمی باشد (79 § *Tarak and Depe v. Turkey*, 2019).

68. در پرونده ای که پسر خواهان در اثر ایدز در زندان به دلیل مراقبت های پزشکی ناکافی فوت می کند، دادگاه استراسبورگ با در نظر گرفتن تعدادی از عوامل از جمله تلاش های زیاد خواهان برای جلب توجه به وضعیت پسرش و بی تفاوتی ریاکارانه و رویکرد ظالمانه نسبت به درخواست های او که توسط مقامات، چه قبل از مرگ پسرش و چه در طول تحقیقات متعاقب آن، نشان داده شد، احراز نمود که او قربانی رفتار غیر انسانی بوده است (Salakhov and Islyamova v. Ukraine, 2013, § 204).

69. در چارچوب تحقیقات در مورد اتهامات سوء استفاده جنسی، دادگاه استراسبورگ معتقد است که خواهان - پدر قربانی مورد ادعا - هیچ موردی از واکنش ها یا نگرش های نامناسب مقامات نسبت به خود را اثبات نموده است و بنابراین، این بخش از خواسته خواهان را رد نمود (M.P. and Others v. Bulgaria, 2011, §§ 123-125).

ط. محکومیت و مجازات

1. سن مسئولیت کیفری

70. در پرونده *V. v. the United Kingdom and T. v. The United Kingdom*, 1999، دادگاه استراسبورگ بررسی کرد که آیا انتساب مسئولیت کیفری به خواهان ها در رابطه با اعمال ارتكابی در سن ده سالگی می تواند منجر به نقض ماده 3 کنوانسیون شود. این دادگاه دریافت که در آن مرحله هیچ معیار مشترک روشنی در میان دولت های عضو شورای اروپا در مورد حداقل سن مسئولیت کیفری وجود نداشت. حتی اگر انگلستان و ولز از محدود حوزه های قضایی اروپایی باشند که سن کم مسئولیت کیفری را تضمین نمایند، باز نمی توان گفت سن ده سالگی آنقدر جوان است که بطور نامتناسبی با محدودیت سنی دیگر کشورهای اروپایی متفاوت می باشد. بنابراین، دادگاه استراسبورگ نتیجه گرفت که انتساب مسئولیت کیفری به خواهان ها به خودی

خود موجب نقض ماده 3 کنوانسیون نمی شود (*V. v. the United Kingdom* [GC], 1999, §§ 72-74; *T. v. The United Kingdom* [GC], 1999, §§ 70-72).

2. مجازات های به شدت نامتناسب و سنگین

71. دادگاه استراسبورگ می پذیرد در حالی که اصولاً موضوعات مربوط به احکام مناسب تا حد زیادی خارج از محدوده کنوانسیون قرار می گیرند، یک حکم (مجازات) شدیداً نامتناسب می تواند در زمان صدور آن به منزله بدرفتاری مغایر با ماده 3 این کنوانسیون تلقی شود. با این حال، این دادگاه تأکید نموده است که "عدم تناسب فاحش" معیاری مضیق می باشد و تنها در موارد نادر و منحصر به فرد این معیار محقق می شود (*Babar Ahmad and Others v. the United Kingdom*, 2012, § 133).

72. برای مثال، دادگاه استراسبورگ نپذیرفت که استرداد خواهان منجر به خطر واقعی رفتار برخلاف ماده 3 کنوانسیون می شود، چرا که شواهد حاکی از آن بود که خواهان در صورت استرداد به ایالات متحده، ممکن است به هر چیزی حداکثر تا سی و پنج سال حبس محکوم شود، با وجود اینکه حداقل شرط محکومیت نیز وجود نداشت. با توجه به ماهیت جرایم مورد ادعا، که شامل جرایم تروریستی نیز می شود، و آستانه بالای مورد نیاز برای نشان دادن اینکه یک حکم به شدت نامتناسب می باشد، دادگاه استراسبورگ نپذیرفت که استرداد خواهان منجر به خطر واقعی رفتار ناشی از صدور حکمی طولانی برخلاف مفاد ماده 3 کنوانسیون می گردد (*Aswat v. UK*, 2013, § 58).

73. در موردی که خواهان ها از ادامه اجرای حکم در بریتانیا بر اساس توافقنامه انتقال زندانیان، در مورد حکم طولانی مدتی که توسط دادگاه های تایلند صادر شده بود، شکایت کردند. دادگاه استراسبورگ تأکید نمود که هنگام بررسی اینکه آیا یک حکم در چارچوب اجرای مستمر یک مجازات به موجب توافقنامه انتقال زندانیان، ناقض ماده 3 می باشد یا خیر، تمرکز می بایست بر این باشد که آیا هر گونه درد و رنج یا تحقیر ناشی از اجرای حکم حبس صادره توسط محاکم خارجی فراتر می رود یا خیر. در ارزیابی میزان رنج و تحقیر، لازم است به رویه های متفاوت راجع به مجازات های اتخاذ شده توسط دولت ها و تفاوت های مشروع و معقول بین دولت ها در مورد مدت زمان مناسب مجازات ها نیز توجه شود. دادگاه استراسبورگ همچنین می بایست این واقعیت را در نظر بگیرد که آیا این انتقال در چارچوب همکاری های بین المللی در اجرای عدالت صورت گرفته است که اصولاً به نفع اشخاص مربوطه می باشد. بنابراین، در مواردی که اقدام به همکاری های بین المللی به منظور ارتقاء و حمایت از حقوق اساسی افراد مشمول مجازات های کیفری در خارج از کشور انجام می شود، منفعتی که خواهان در نتیجه اجرای آن اقدام بین المللی از آن برخوردار می شود، عامل مهمی در جهت احراز این موضوع است که نحوه و روش اجرای حکم، خواهان را در معرض درد و رنجی بیش از درد و رنج ذاتی و اجتناب ناپذیر (معمول) هنگام بازداشت قرار نمی دهد (*Willcox and Hurford v. the United Kingdom*, 2013, § 76).

3. مجازات مرگ

74. در پرونده *Al-Saadoon and Mufdhi v. the United Kingdom*, 2010، دادگاه استراسبورگ متذکر شد که همه دولت های عضو به جز دو دولت، پروتکل شماره 13 را در مورد لغو مجازات اعدام در همه شرایط امضا کرده اند و همه دولت ها به جز سه دولتی که آن را امضا کرده بودند، آن را تصویب نمودند. این ارقام، همراه با رویه ثابت و یکپارچه دولت ها در رعایت تعلیق مجازات اعدام، با قاطعیت و از هر لحاظ نشان دهنده این است که ماده 2 برای منع مجازات اعدام در هر شرایطی اصلاح شده است. علیرغم این سابقه، دادگاه استراسبورگ، همانطور که قبلاً در پرونده *Soering v. the United Kingdom*, 1989, §§ 102-104، اعلام کرده بود، بر این باور نیست که عبارت جمله دوم از بند اول ماده 2 همچنان به عنوان مانعی برای تفسیر آن دادگاه در خصوص مشمول مجازات اعدام به عنوان "رفتار یا مجازات غیرانسانی یا تحقیر آمیز" مندرج در ماده 3، بکار می رود (*Al-Saadoon and Mufdhi v. the United Kingdom*, 2010, § 120). بنابراین، مجازات اعدام به شکل غیرقابل قبولی از مجازات تبدیل شده است که بر اساس ماده 2 که توسط پروتکل های شماره 6 و 13 اصلاح شده دیگر مجاز نمی باشد و طبق ماده 3 به منزله "رفتار یا مجازات غیرانسانی یا تحقیر آمیز" تلقی می شود (*A.L. (X.W.) v. Russia*, 2015, § 64).

75. ماده 3 کنوانسیون، استرداد، اخراج یا انتقال افراد به کشور دیگری را که دلایل قابل توجهی بر این باور وجود دارد که او در آنجا با خطر واقعی مجازات اعدام روبرو می شود، ممنوع می سازد (*A.L. (X.W.) v. the United Kingdom*, 2010, §§ 123 and 140-143; *Shamayev and Others v. Georgia and Russia*, 2005, § 333; *Russia*, 2015, §§ 63-66).

76. اطلاعات دقیق تر را می توان در راهنمایی بر رویه قضایی در مورد مهاجرت یافت.

4. حبس ابد

77. این کنوانسیون وضع و اعمال حبس ابد را نسبت به کسانی که به جرایمی خاص و جدی، مانند قتل محکوم شده اند را ممنوع نمی سازد. با این حال، برای سازگاری و مطابقت با ماده 3 این کنوانسیون، چنین حکمی می بایست بلحاظ قانونی و عملی (بطور بالفعل) قابل تحمل و تقلیل پذیر باشد، به این معنی که هم چشم انداز آزادی برای زندانی وجود داشته باشد و هم امکان تجدیدنظر وجود داشته باشد. مبنای چنین بازبینی و تجدیدنظری می بایست به ارزیابی اینکه آیا دلایل و زمینه های کیفری مشروعی برای ادامه حبس زندانی وجود دارد یا خیر گسترش یابد. این زمینه ها شامل مجازات، بازدارندگی، حمایت عمومی و توانبخشی می باشد. تعادل و توازن بین آنها لزوماً ثابت و ساکن نمی باشد و ممکن است در طول یک حکم تغییر کند، به طوری که ممکن است توجیه اولیه برای بازداشت و حبس پس از مدت طولانی اجرای محکومیت قابل قبول و مناسب نباشد. به اهمیت زمینه و هدف بازپروری، یعنی ادغام و یا باز اجتماعی شدن یک فرد محکوم در جامعه، تاکید می شود، زیرا تاکید سیاست کیفری اروپایی هم اکنون بر همین موضوع مبتنی می باشد، همانطور که در رویه دولت های متعاقد، در معیارهای تصویب شده توسط شورای اروپا و در اسناد و مدارک بین المللی مربوطه منعکس شده است (Murray v. the Netherlands [GC], 2016, § 102; and Hutchinson v. the United Kingdom [GC], 2017, § 42).

78. حبس ابد صرفاً با این واقعیت غیرقابل تحمل نمی شود که در عمل ممکن است به طور کامل اجرا شود (Murray v. The Netherlands [GC], 2016, § 99). با این حال، احترام به کرامت انسانی مستلزم آن است که مقامات زندان برای بازپروری یک زندانی محکوم به حبس ابد تلاش کنند (Murray v. the Netherlands [GC], 2016, § 104). این نتیجه حاصل می شود که بمنظور بازنگری و تجدیدنظر می بایست پیشرفتی را که زندانی در جهت بازپروری داشته است مورد توجه قرار داد و ارزیابی نمود که آیا چنین پیشرفتی آنقدر قابل توجه بوده است که دیگر نتوان ادامه بازداشت را بر اساس دلایل کیفری مشروع و قانونی توجیه نمود. بنابراین، تجدیدنظر و بازنگری محدود به دلایل دلسوزانه کافی نمی باشد (Hutchinson v. the United Kingdom [GC], 2017, § 43).

79. ضوابط و شرایط مقرر در حقوق داخلی مربوط به تجدیدنظر و بازنگری می بایست از وضوح و قطعیت کافی برخوردار باشد و همچنین منعکس کننده رویه قضایی مربوط به دادگاه استراسبورگ باشد. این بدان معناست که زندانیانی که به حبس ابد محکوم می شوند، از همان ابتدا حق دارند بدانند که برای آزادی و تحت چه شرایطی و چه کاری باید انجام دهند. این شامل زمانی است که حکم مورد تجدیدنظر و بازنگری قرار خواهد گرفت یا ممکن است درخواست شود (Vinter and Others, 2013, § 122). در این رابطه، دادگاه استراسبورگ به حمایت واضح در مدارک و اسناد تطبیقی و بین المللی مربوطه برای بازنگری که حداکثر بیست و پنج سال پس از صدور حکم، با بازنگری های دوره ای که پس از آن انجام می شود، اشاره کرده است (ibid., §§ 119 and 120). با این حال، همچنین نشان داده است که این موضوعی است که در حاشیه اختیارات صلاحیدی قرار می گیرد که می بایست به دولت های متعاقد در موضوعات عدالت کیفری و صدور احکام اعطا شود (ibid., §§ 104, 105 and 120).

80. در خصوص ماهیت تجدیدنظر، دادگاه استراسبورگ تاکید نموده است که با توجه به حاشیه اختیارات صلاحیدی که باید به دولت های متعاقد اعطا شود، اینکه تجدیدنظرخواهی امری قضایی است یا اجرایی، تعیین آن وظیفه این دادگاه نمی باشد (Vinter and Others, 2013, § 120). بنابراین، این وظیفه هر دولتی است که تعیین نماید آیا تجدیدنظر و بازنگری یک حکم می بایست توسط قوه مجریه انجام شود یا قوه قضاییه (Hutchinson v. the United Kingdom [GC], 2017, § 44).

81. اطلاعات دقیق تر را می توان در راهنمایی بر رویه قضایی در مورد حقوق زندانیان یافت.

ی. استرداد و اخراج

82. دادگاه استراسبورگ تاکید نموده است که دولت های متعاقد، بر اساس یک موضوع شناخته شده در حقوق بین الملل و به موجب تعهدات معاهداتی خود، از جمله این کنوانسیون، حق کنترل ورود، اقامت و اخراج بیگانگان را دارند. حق پناهندگی سیاسی در این کنوانسیون و پروتکل های آن وجود ندارد. با این حال، اخراج و استرداد و یا هر اقدام دیگری برای بیرون راندن یک بیگانه ممکن است مسئله ای را به موجب ماده 3 مطرح نماید و از این رو، موجب مسئولیت دولت متعاقد طبق کنوانسیون می گردد، در صورتی که دلایل قابل توجهی وجود داشته باشد که شخص مورد نظر، در صورتی که بیرون رانده شود، با خطر واقعی رفتاری بر خلاف ماده 3 در کشور پذیرنده مواجه خواهد شد. در چنین شرایطی، ماده 3 متضمن تعهد به عدم انتقال فرد مذکور به آن کشور می باشد (Ilias and Ahmed v. Hungary [GC], 2019, §§ 125-126).

83. اطلاعات دقیق تر را می توان در راهنمایی بر رویه قضایی در مورد مهاجرت یافت.

ک. مداخلات پزشکی اجباری

الف. اصول کلی

84. اقدامی که از نظر اصول شناخته شده پزشکی یک ضرورت درمانی است، اصولاً نمی تواند غیر انسانی و تحقیرکننده تلقی شود. با این وجود، دادگاه استراسبورگ می بایست متقاعد گردد که بطور قانع کننده ای یک ضرورت پزشکی وجود دارد و اینکه ضمانت های رویه ای (شکلی) برای این تصمیم وجود دارد که از آنها تبعیت می شود (Jalloh v. Germany [GC], 2006, § 69).

ب. تغذیه اجباری

85. تغذیه اجباری با هدف نجات جان زندانی که آگاهانه از خوردن غذا امتناع می کند، اصولاً نمی تواند غیرانسانی و تحقیرآمیز تلقی شود. با این وجود، دادگاه استراسبورگ می بایست متقاعد گردد که بطور قانع کننده ای یک ضرورت پزشکی وجود دارد و ضمانت های رویه ای (شکلی) برای تصمیم به تغذیه اجباری رعایت شده است (Ciorap v. Moldova, 2007, § 77). علاوه بر این، روشی که به موجب آن خواهان در جریان اعتصاب غذا در معرض تغذیه اجباری قرار می گیرد، نمی بایست از آستانه حداقل سطح شدت پیش بینی شده توسط رویه قضایی دادگاه به موجب ماده 3 کنوانسیون تجاوز شود (Nevmerzhtsky v. Ukraine, 2005, § 94).

86. در پرونده Herczegfalvy v. Austria, 1992، که از جمله شامل تغذیه اجباری یک بیمار روانپزشکی بود که از خوردن غذا امتناع می کرد، دادگاه استراسبورگ دریافت که اقدام به تغذیه اجباری وی به دلیل ضرورت پزشکی قابل توجیه می باشد، بنابراین، ماده 3 این کنوانسیون نقض نگردیده است (§§ 79-84).

87. در مقابل، دادگاه استراسبورگ دریافت که تغذیه اجباری یک زندانی در اعتصاب غذا در اعتراض به شرایط زندان ناشی از دلایل پزشکی معتبر نبوده، بلکه در عوض با هدف وادار کردن وی به توقف اعتراض انجام شده و به گونه ای عمل نموده اند که او را بی جهت در معرض درد شدید جسمی و تحقیری که به منزله شکنجه تلقی می گردد، قرار داده بودند (Nevmerzhtsky v. Ukraine, 2005, § 98; see also Ciorap v. Moldova, 2007, § 89).

ج. درمان اجباری روانپزشکی

88. در پرونده Gorobet v. Moldova, 2011، دادگاه استراسبورگ در اقدام به حصر خواهان به مدت چهل و یک روز و درمان روانپزشکی اجباری وی در بیمارستان، هیچ ضرورت پزشکی را احراز ننمود و اینکه چنین درمان غیرقانونی و خودسرانه ای احساسی از ترس، تشویش و حقارتی را که به منزله رفتاری تحقیرآمیز تلقی می شد، در خواهان برانگیخت (§ 52).

89. به همین ترتیب، در حالی که بستری شدن غیر ارادی اولیه خواهان (که اقدام به خودکشی کرده بود) موجه بود، دادگاه استراسبورگ در پرونده Bataliny v. Russia, 2015، دریافت که هیچ ضرورت پزشکی برای ادامه بستری شدن و درمان غیر ارادی وی در بیمارستان از جمله نظیر ضرورت بستری نمودن اجباری وی و مشارکت او در تحقیقات علمی برای یک داروی جدید نشان داده نشده بود (§§ 88-91).

90. در مقابل، در پرونده Naoumenko v. Ukraine, §§ 113-116, 2004، دادگاه استراسبورگ شواهدی نیافت که فراتر از هر گونه شک معقول ثابت گردد رفتاری که با خواهان در زندان شده است، حتی اگر اجباری باشد، مغایر با ماده 3 می باشد، به ویژه با توجه به این واقعیت که خواهان از اختلالات روانی جدی رنج می برد، دو بار اقدام به خودکشی کرده بود و برای تسکین علائمش دارو مصرف می کرد. همچنین رجوع کنید به پرونده Dvořák v. the Czech Republic, § 106, 2014، جایی که خواهان، از جمله، در مورد رفتار جنسی انجام شده بدون رضایت آگاهانه او شکایت کرد.

د. عقیم سازی غیر ارادی

91. دادگاه استراسبورگ اعلام کرده است که عقیم سازی یک مداخله عمده در وضعیت سلامت باروری یک فرد محسوب می شود. این عقیم سازی ممکن است به طور قانونی بنا به درخواست شخص مربوطه انجام شود، برای مثال به عنوان یک روش پیشگیری از بارداری یا برای اهداف درمانی که ضرورت پزشکی آن به طور قانع کننده ای محرز شده باشد. با این حال، دادگاه استراسبورگ بر این باور است که تحمیل چنین درمان پزشکی بدون رضایت یک بیمار بالغ دارای صلاحیت روانی، با ضرورت احترام به آزادی و کرامت انسانی یک فرد، به عنوان یکی از اصول اساسی که این کنوانسیون بر آن استوار است، ناسازگار می باشد (V.C. v. Slovakia, 2011, § 107).

92. در پرونده *V.C. v. Slovakia*، 2011، جایی که خواهان، اهل شهر رم، بلافاصله پس از زایمان از طریق سزارین، بدون رضایت آگاهانه او عقیم شد، دادگاه استراسبورگ به این نتیجه رسید که اگرچه هیچ نشانه ای وجود نداشت که کادر پزشکی با قصد سویی در خصوص خواهان اقدام کرده باشند، اما با این وجود، روشن بود که که آنها با بی‌اعتنایی فاحشی نسبت به حق استقلال و انتخاب او به عنوان یک بیمار، اقدام کرده بودند. بنابراین، چنین رفتاری ناقض مفاد ماده 3 این کنوانسیون بود (§§ 106-120). همچنین در پرونده *N.B. v. Slovakia*، 2012، جایی که دادگاه استراسبورگ دریافت که عقیم سازی خواهان، یک کودک خردسال، یک مداخله پزشکی نجات بخش نبوده و اینکه بدون رضایت آگاهانه خواهان و / یا نماینده او انجام شده است. مشخص شد که چنین رویه ای با شرط الزامی احترام به آزادی و کرامت انسانی خواهان مطابقت ندارد (§§ 74-81).

ه. حذف داروها و سایر شواهد از بدن فرد

93. دادگاه استراسبورگ تاکید نموده است که حتی در مواردی که انگیزه حذف داروها و شواهد از بدن یک فرد به دلایل و به موجب ضرورت پزشکی نباشد، ماده 3 این کنوانسیون به این ترتیب، توسل به یک روش پزشکی برخلاف خواست و اراده یک مظنون به منظور کسب شواهدی مبنی بر دخالت وی در ارتکاب یک جرم کیفری را ممنوع نمی‌سازد. با این حال، هر گونه توسل به مداخله پزشکی اجباری برای به دست آوردن شواهد یک جرم می‌بایست به طور قانع کننده ای بر اساس داده ها و اطلاعات هر پرونده توجیه شود. این امر، به ویژه، در مواردی صادق است که هدف از این رویه بازیابی شواهد واقعی جنایت از درون بدن فرد مظنون باشد. ماهیت آزار دهنده و ناخوشایند چنین عملی مستلزم بررسی دقیق همه شرایط و اوضاع و احوال اطراف می‌باشد. در این رابطه، می‌بایست به جدیت و یا سنگینی جرم مورد نظر توجه شود. مقامات همچنین می‌بایست نشان دهند که روش های جایگزینی را نیز برای بازیابی شواهد مورد توجه قرار داده اند. علاوه براین، این رویه نمی‌بایست خطری از نوع ایراد آسیبی ماندگار بر سلامت مظنون داشته باشد (*Jalloh v. Germany* [GC], 2006, § 70-71).

94. علاوه بر این، همانند مداخلاتی که بمنظور اهداف درمانی انجام می‌شود، روشی که در آن یک فرد تحت یک روش پزشکی اجباری به منظور بازیابی شواهد از بدنش قرار می‌گیرد، نباید از حداقل سطح شدتی که بموجب رویه قضایی دادگاه بر اساس ماده 3 کنوانسیون مقرر شده است، فراتر رود. عوامل مرتبط در این زمینه عبارتند از: اینکه آیا فرد مورد نظر در نتیجه مداخله پزشکی اجباری درد یا رنج جسمی جدی را تجربه کرده است یا خیر؛ اینکه آیا رویه پزشکی اجباری مذکور توسط پزشکان دستور داده و اجرا شده است یا خیر؛ اینکه آیا فرد مورد نظر تحت نظارت و مراقبت دائمی پزشکی قرار گرفته است یا خیر، و اینکه آیا مداخله پزشکی اجباری منجر به تشدید وضعیت سلامت خواهان گردیده و پیامدهای ماندگاری برای سلامتی وی داشته است یا خیر (*Jalloh v. Germany* [GC], 2006, § 72-74).

95. به عنوان مثال، در این پرونده، هنگامی که مقامات به منظور اثبات مشارکت خواهان در جرم مورد بحث، مجبور به گرفتن نمونه خون و بزاق از وی برخلاف میلش به عنوان یک مظنون شدند، دادگاه استراسبورگ نقض ماده 3 را احراز نمود، چرا که شیوه ای که از طریق آن نمونه گرفته شده تنها با صدمه بدنی جزئی همراه بود و هیچ گونه درد شدید جسمی یا روحی در پی نداشته است (*Schmidt v. Germany* (dec.), 2006).

96. در مقابل، دادگاه دریافت که وقتی خواهان مجبور به کاتتریزاسیون (سوند گذاری) در ایستگاه پلیس به منظور گرفتن نمونه ادرار برای تعیین اینکه آیا او در یک جرم مرتبط با ترافیک (رانندگی) دخالت داشته است یا خیر، در واقع، تحت رفتار غیر انسانی و تحقیرآمیز برخلاف ماده 3 قرار گرفته است. در این رابطه، دادگاه استراسبورگ خاطر نشان ساخت که مقامات همان شواهد را با گرفتن نمونه خون از خواهان بنحوی بازیابی و جمع آوری کرده بودند، که هم باعث درد جسمی و هم رنج روحی برای وی شده بود (*R.S. v. Hungary*, 2019, § 72).

3. حمایت در برابر شکنجه، رفتار یا مجازات غیر انسانی یا تحقیرآمیز عوامل غیردولتی

ماده 3 کنوانسیون

"هیچ کسی نمی بایست مورد شکنجه یا رفتار یا مجازات غیر انسانی یا تحقیرآمیز قرار گیرد"

الف. قلمرو تعهدات مثبت دولت ها

97. در حالی که طبق کنوانسیون نمی توان هیچ مسئولیت مستقیمی به یک دولت متعهد در قبال اعمال افراد خصوصی (*Beganović v. Croatia*)، § 68 (2009) یا عوامل دولتی که در مقام و جایگاه شخصی شان اقدام می کنند منتسب نمود (*Çevik v. Turkey*, (no.2), 2010, § 33)، دادگاه استراسبورگ بر این باور است که با این وجود دولت ممکن است به موجب تعهدی که توسط ماده یک کنوانسیون مقرر گردیده است، مسئول شناخته شود.

98. در این رابطه، دادگاه استراسبورگ مقرر داشت که طرف های معظم متعهد به موجب مفاد ماده 1 کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، در راستای تضمین حقوق و آزادی های تعریف شده در این کنوانسیون برای همه افراد تحت حوزه و صلاحیت قضایی خود و همچنین بموجب مفاد ماده 3 این کنوانسیون، ملزم به اتخاذ تدابیر مشخصی می باشند تا اطمینان حاصل شود که افراد در حوزه قضایی آنان تحت شکنجه یا رفتار غیر انسانی یا تحقیرآمیز، از جمله مورد بدرفتاری توسط افراد خصوصی، قرار نمی گیرند (*Z and Others v. the United Kingdom* [GC], 2001, § 73 and *O’Keeffe v. Ireland* [GC],)، § 144 (2014).

99. به ویژه، کودکان و سایر افراد آسیب پذیر مستحق حمایت موثر می باشند (*X and Others v. Bulgaria* [GC], 2021, § 177 and *R.B. v. Estonia*, 2021, § 78).

100. در این راستا، همچنین به موجب رویه قضایی دادگاه استراسبورگ ماده 3 دولت ها را متعهد به تضمین سلامت و رفاه فیزیکی افرادی نظیر زندانیان یا سربازان وظیفه می داند، چرا که این افراد به دلیل آنکه تحت کنترل و تسلط مقامات می باشند، در موقعیت آسیب پذیری قرار دارند (*Premininny v. Russia*, 2011, § 73).

101. دادگاه استراسبورگ تعهدات مثبت دولت ها برای محافظت در برابر بدرفتاری در زمینه های مختلف را مورد بررسی قرار داده است، مانند:

_ در زمینه کودک آزاری (به عنوان مثال، نگاه کنید به پرونده های *A. v. the United Kingdom*, 1998; *Z and Others v. the United Kingdom* [GC], 2011; *Association Innocence en Danger and Association Enfance et Partage v. France*, 2020);

_ در زمینه خشونت خانگی (به عنوان مثال، نگاه کنید به پرونده های *T.M. and C.M. v. the Republic of Moldova*, 2014; *Talpis v. Italy*, 2017; *Volodina v. Russia*, 2019); و در زمینه خشونت سایبری مراجعه کنید به پرونده *Buturugă v. Romania*, 2020, §§ 74, 78-79;

_ در زمینه جرایم جنسی (به عنوان مثال، مراجعه کنید به پرونده *M.C. v. Bulgaria*, 2003); و در مورد خردسالان مراجعه کنید به پرونده های *I.C. v. Romania*, 2016; *M.G.C. v. Romania*, 2016);

_ در زمینه درگیری های بین زندانیان (به عنوان مثال، مراجعه کنید به پرونده های *Pantea v. Romania*, 2003; *Rodić and Others v. Bosnia and Herzegovina*, 2008; and *D.F. v. Latvia*, 2013);

_ در زمینه تظاهرات (به عنوان مثال، مراجعه کنید به پرونده های *Identoba and Others v. Georgia*, 2015, §§ 72-74, § 81; and *Women’s Initiatives Supporting Group and Others v. Georgia*, 2021, §§ 70-78);

_ در زمینه آزار و اذیت فیزیکی و کلامی نسبت به یک فرد دارای معلولیت (مراجعه کنید به پرونده *Dorđević v. Croatia*, 2012);

_ در زمینه آزار و اذیت فیزیکی و کلامی یک خردسال (مراجعه کنید به پرونده *V.K. v. Russia*, 2017); و یا فرد بزرگسال (مراجعه کنید به پرونده *Irina Smirnova v. Ukraine*, 2016);

_ در زمینه خشونت اعمال شده بر اساس نفرت (به عنوان مثال نگاه کنید به پرونده های *Škorjanec v. Croatia*, 2017; *Burlya and Others v. Ukraine*, 2018).

ب. ماهیت تعهدات مثبت دولت ها

102. تعهدات مثبت ماهوی دولت ها بر اساس ماده 3 کنوانسیون، اولاً شامل تعهد به ایجاد چارچوب قانونی و نظارتی حمایت؛ ثانیاً، در برخی شرایط کاملاً مشخص، تعهد به اتخاذ اقدامات عملیاتی برای محافظت از افراد خاص در برابر خطر وقوع رفتاری برخلاف ماده 3، می باشد (*X and Others v. Bulgaria* [GC], 2021, § 178).

1. وظیفه ایجاد سازوکار قانونی و نظارتی مناسب

103. تعهدات مثبت طبق ماده 3 کنوانسیون به ویژه مستلزم ایجاد یک ساختار قانونی و نظارتی برای محافظت کافی از افراد در برابر نقض تمامیت جسمانی و روانی آنها می باشد، به ویژه، در جدی ترین موارد، از طریق تصویب مقررات حقوق کیفری و کاربرد موثر آنها در عمل امکان پذیر می باشد (*X and Others v. Bulgaria* [GC], 2021, § 179).

104. این تعهد در زمینه خدمات عمومی با وظیفه حمایت از سلامت و رفاه کودکان اهمیت ویژه ای پیدا می کند، بخصوص در مواردی که آن کودکان به ویژه آسیب پذیر هستند و تحت کنترل انحصاری مقامات می باشند. ممکن است در برخی شرایط نیاز به اتخاذ تدابیر و اقدامات حفاظتی خاص باشد. در این راستا، دادگاه استراسبورگ در رابطه با موارد سوء استفاده جنسی از کودکان، بخصوص در مواردی که آزارگر در موقعیت غالب و مسلط بر کودک قرار دارد، تصریح کرده است که وجود مکانیسم های مفید شناسایی و گزارش برای اجرای موثر قوانین کیفری مربوطه ضروری می باشد (*X and Others v. Bulgaria* [GC], 2021, § 180).

105. به همین ترتیب، در زمینه خشونت خانگی، دادگاه استراسبورگ مقرر داشته است که این تعهد معمولاً مقامات داخلی را ملزم به اتخاذ اقدامات مثبت در راستای حقوق کیفری مورد حمایت در این خصوص می نماید. چنین اقداماتی به ویژه شامل جرم انگاری اعمال خشونت آمیز در خانواده با وضع مجازات های موثر، متناسب و بازدارنده می باشد (*Volodina v. Russia*, 2019, § 78). علاوه بر این، تا آنجایی که به اقدامات حفاظتی مربوط می شود، دادگاه استراسبورگ دولت ها را ملزم می سازد تا از طریق مجموعه تدابیر قانونی و عملیاتی موجود در ساختار قانونی داخلی خود، امکان انتخاب طیف وسیعی از اقدامات کافی برای مقامات مربوطه فراهم سازد که متناسب با سطح و میزان خطری باشد که در شرایط آن مورد خاص، ارزیابی می شود (*Tunikova and Others v. Russia*, 2021, § 95).

2. وظیفه اتخاذ اقدامات عملیاتی پیشگیرانه

106. همانند ماده 2 کنوانسیون، ماده 3 ممکن است در برخی شرایط، یک دولت را ملزم سازد که اقدامات عملیاتی در حمایت از قربانیان بالفعل یا بالقوه بدرفتاری اتخاذ نمایند (*X and Others v. Bulgaria* [GC], 2021, § 181).

107. این تعهد مثبت برای حمایت می بایست به گونه ای تفسیر شود که بار بیش از حدی بر مقامات تحمیل نکند، به ویژه، با در نظر گرفتن غیرقابل پیش بینی بودن رفتار انسانی و اقدام های عملیاتی ممکن که می بایست بر اساس اولویت ها و منابع انجام شوند. بر این اساس، هر خطر بدرفتاری را نمی توان به موجب این کنوانسیون مستلزم اتخاذ تدابیری از سوی مقامات برای جلوگیری از تحقق آن دانست. با این حال، این اقدامات لازم حداقل می بایست حمایت موثری را به ویژه از کودکان و سایر افراد آسیب پذیر فراهم سازد و می بایست شامل اقدامات معقولی برای جلوگیری از بدرفتاری باشد که مقامات از آن اطلاع داشتند و یا باید می داشتند (*O’Keeffe v. Ireland* [GC], 2014, § 144).

108. بنابر این، برای ایجاد تعهدی مثبت، می بایست ثابت شود که مقامات از وجود خطر بدرفتاری واقعی و قریب الوقوع با یک فرد توسط اعمال مجرمانه شخص ثالث، آگاهی داشتند و یا می بایست آگاهی می داشتند و اینکه آنها نتوانستند اقداماتی را در محدوده اختیارات خود انجام دهند که انتظار می رفت مانع از وقوع این خطر گردد (*X and Others v. Bulgaria* [GC], 2021, § 183).

109. دادگاه استراسبورگ اظهار می دارد که در این زمینه، ارزیابی ماهیت و شدت خطر بخشی جدایی ناپذیر از وظیفه اتخاذ اقدامات عملیاتی پیشگیرانه در مواردی که وجود خطر ایجاب می کند، محسوب می شود. بنابراین، بمنظور بررسی متابعت و رعایت این وظیفه از سوی دولت ها می بایست تجزیه و تحلیلی از کفایت ارزیابی خطرات ایجاد شده توسط مقامات داخلی و هم خطرات مرتبطی که شناسایی شده و یا می بایست شناسایی می شد، انجام گردد، همچنین می بایست ارزیابی از اقدامات پیشگیرانه اتخاذ شده در این خصوص انجام شود (Kurt v. Austria [GC], 2021, § 159)، البته به موجب ماده 2 این کنوانسیون.

110. دادگاه استراسبورگ همچنین تاکید کرده است که اثبات و نشان دادن اینکه اگر قصور و کوتاهی دولت نمی بود، بدرفتاری صورت نمی گرفت، ضروری نمی باشد. بنابراین، اثبات عدم اتخاذ تدابیر منطقی در دسترس که می توانست چشم انداز واقعی تغییر نتیجه یا کاهش آسیب را داشته باشد، برای پذیرش مسئولیت دولت کافی است (O'Keeffe v. Ireland [GC], 2014, § 149).

ج. برخی مصادیق

111. دادگاه استراسبورگ دریافت که دولت خوانده در انجام تعهدات خود برای حمایت از افراد در برابر بدرفتاری قصور ورزیده زمانی که:

_ قصور اداره بازداشتگاه در جلوگیری از بدرفتاری سیستماتیک با یک زندانی توسط سایر زندانیان (90 §, Preminin v. Russia, 2011)؛ همچنین به پرونده E. v. the Republic of Moldova, 2020, § 46، مراجعه کنید، جایی که نوجوانی با ناتوانی ذهنی در سلولی با مجرمان مرتکب جنایات خشن قرار گرفت و مورد ضرب و شتم و تجاوز جنسی قرار گرفت؛

_ ناتوانی و شکست ساختار قانونی داخلی در تعریف خشونت خانگی به عنوان یک جرم بطور جداگانه و خاص یا واجد مولفه تشدید کننده نسبت به سایر جرایم و تعیین حداقل آستانه شدت صدمات لازمه برای شروع تعقیب کیفری و همچنین عدم اتخاذ اقدامات عملیاتی پیشگیرانه از سوی مقامات برای حمایت از خواهان (91 § and 85 §, Volodina v. Russia, 2019)؛ همچنین مراجعه کنید به پرونده M.C. v. Bulgaria, 2003, § 166، که دادگاه استراسبورگ دریافت که ساختار قانونی داخلی از قربانی که ادعای تجاوز به عنف دارد حمایت کافی بعمل نمی آورد.

_ مقامات نتوانستند از یکی از اعضای یک اقلیت مذهبی آسیب پذیر که هدف آزار و اذیت سیستماتیک قرار گرفته بود محافظت کنند (Milanović v. Members of the Gldani Congregation of Jehovah's Witnesses and Others v. Georgia, 2010, § 90)؛ همچنین به پرونده 2007, §§ 100-105 and § 124، مراجعه کنید، جایی که پلیس نتوانست اقدام کافی در برابر حمله مداوم اعضای کلیسای ارتدکس به جلسه شاهدان بپوشاند، علیرغم اینکه در مراحل اولیه به اندازه کافی هشدار داده شده بود تا فوراً برای پایان دادن به خشونت و محافظت از قربانیان اقدام کنند.

112. در مقابل، در پرونده X and Others v. Bulgaria [GC], 2021, § 183، که مربوط به ادعاهای راجع به سوء استفاده جنسی در یک پرورشگاه بود، دادگاه استراسبورگ بر این باور بود که نحوه اجرای ساز و کار مقرراتی موجود در آن کشور در این خصوص منجر به نقض ماده 3 نگریده است، چرا که هیچ مسئله سیستماتیکی در مورد سوء استفاده جنسی از کودکان خردسال در خانه های مسکونی اثبات نشده بود. دادگاه استراسبورگ همچنین دریافت که، در واقعیات و حقایق خاص پرونده، اطلاعات کافی برای احراز اینکه مقامات بلغارستان از خطر واقعی و قریب الوقوع بدرفتاری نسبت به خواهان ها مطلع بودند و یا می بایست مطلع می بودند، وجود نداشت، تا که موجب تعهد فوق برای محافظت از آنها در برابر چنین خطری شود.

4. وظیفه رسیدگی به ادعاهای مربوط به شکنجه، رفتار یا مجازات غیرانسانی یا تحقیرآمیز

ماده 3 کنوانسیون

"هیچ کسی نمی بایست مورد شکنجه یا رفتار یا مجازات غیرانسانی یا تحقیرآمیز قرار گیرد"

الف. قلمرو تعهدات شکلی

113. در صورتی که فردی ادعای قابل بحثی را مطرح نماید مبنی بر اینکه از سوی ماموران دولت تحت رفتاری برخلاف ماده 3 قرار گرفته است، این ماده در ارتباط با وظیفه کلی دولت ها طبق ماده 1 کنوانسیون برای "تضمین حقوق و آزادی های مندرج در کنوانسیون برای افراد در قلمرو قضایی خود"، به طور ضمنی ایجاب می کند که می بایست در این خصوص تحقیقات رسمی موثری انجام شود (Assenov and Others v. Bulgaria, 1998, § 102 and El- Masri v. the former Yugoslav Republic of Macedonia [GC], 2012, § 182). در غیر این صورت، ممنوعیت کلی قانونی شکنجه و رفتار و مجازات غیر انسانی و تحقیرآمیز، علیرغم اهمیت اساسی آن، در عمل بی تاثیر خواهد بود و در مواردی امکان سوء استفاده از حقوق افراد تحت سیطره خود توسط ماموران دولتی که بنظر دارای مصونیت می باشند، وجود خواهد داشت (Labita v. Italy [GC], 2000, § 131).

114. در ارتباط با موارد فوق، دادگاه استراسبورگ تاکید نموده است که واکنش مناسب مقامات در بررسی و تحقیقات راجع به اتهامات جدی بدرفتاری توسط پلیس یا سایر عوامل مشابه دولت در متابعت و پیروی از استانداردهای ماده 3 ضروری است تا اعتماد عمومی در خصوص پایداری آنها به حاکمیت قانون و جلوگیری از هر گونه تبانی یا تحمل اعمال غیرقانونی حفظ شود (Lyapin v. Russia, 2014, § 139).

115. این تعهد شکلی همچنین به ضرورت بررسی و تحقیق پیرامون ادعاهای راجع به بدرفتاری انجام شده توسط افراد خصوصی نیز تعمیم می یابد (M. and Others v. Italy and Bulgaria, 2012, § 100 and X and Others v. Bulgaria [GC], 2021, § 184).

ب. هدف تحقیقات

116. هدف اساسی از یک تحقیق و تجسس، تضمین اجرای موثر قوانین داخلی منع کننده شکنجه و رفتار یا مجازات غیرانسانی یا تحقیرآمیز در مواردی است که شامل عوامل یا ارگان های دولت ها می باشد و اطمینان از پاسخگویی آن ها در قبال بدرفتاری هایی است که تحت مسئولیت آنها اتفاق می افتد (Bouyid v. Belgium [GC], 2015, § 117).

ج. ماهیت و میزان نظارت و بررسی های دقیق

117. ماهیت و میزان بررسی دقیق و موشکافانه ای که حداقل آستانه اثربخشی تحقیقات را محقق می سازد، به شرایط و اوضاع و احوال هر مورد خاص بستگی دارد؛ به عبارتی، می بایست بر اساس تمام اطلاعات و داده های مرتبط و با توجه به واقعیت های عملی کار تحقیقاتی مورد ارزیابی واقع شوند (X and Others v. Bulgaria [GC], 2021, § 190).

118. به عنوان مثال، در مواردی که ممکن است کودکان قربانی سوء استفاده جنسی شده باشند، رعایت تعهدات مثبت ناشی از ماده 3، در چارچوب دادرسی داخلی کشورها مستلزم اجرای موثر حقوق کودکان به منظور برخورداری آنان از بهترین منافع به عنوان ملاحظات اولیه و مقوله آسیب پذیری خاص کودکان و همچنین به اندازه کافی تحقق نیازهای مربوطه آنان، می باشد. به ویژه، تعهدات شکلی طبق ماده 3 در چنین مواردی می بایست در پرتو تعهدات ناشی از سایر اسناد بین المللی قابل اجرا و به طور خاص کنوانسیون شورای اروپا در مورد حمایت از کودکان در برابر استثمار جنسی و سوء استفاده جنسی تفسیر نمود (X and Others v. Bulgaria [GC], 2021, § 192).

د. معیارهای تحقیقات

1. اظهارات اولیه

119. در پرونده *S.M. v. Croatia*, [GC], §§ 311-320، دادگاه استراسبورگ رویه قضایی خود در مورد تعهدات شکلی را تحت اصول همسوی راجع به مواد 2، 3 و 4 کنوانسیون خلاصه نمود. به ویژه، دادگاه استراسبورگ خاطر نشان ساخت در حالی که دامنه کلی تعهدات مثبت دولت ها بین مواردی که رفتار مغایر با کنوانسیون از طریق دخالت عوامل دولتی صورت گرفته و مواردی که خشونت توسط افراد خصوصی اعمال شده، ممکن است متفاوت باشد، لیکن، الزامات رویه ای آنها مشابه می باشد (Sabalić v. Croatia, 2021, § 96).

120. به ویژه، مقامات موظفند به محض طرح شکایت رسمی، اقدام کنند. با این حال، حتی در صورت عدم وجود شکایتی صریح، در صورتی که نشانه های به اندازه کافی واضح دیگری وجود داشته باشد که شکنجه یا بدرفتاری ممکن است اعمال شده باشد، تحقیقات می بایست انجام شود. بنابراین، مقامات می بایست پس از اینکه این موضوع مورد توجه آنها قرار گرفت، بر اساس رای و نظر خود اقدام کنند (Gldani Congregation of Jehovah's Witnesses and Others v. Georgia, 2007, § 97).

121. تعهدات شکلی به موجب ماده 3 همچنان در شرایط سخت امنیتی، از جمله در زمینه درگیری مسلحانه اعمال می شود. حتی در مواردی که وقایعی نظیر وقوع خشونت های گسترده منجر به انجام وظیفه تحقیق در این زمینه می گردد و بازرسان با موانع و محدودیت هایی مواجه می شوند که استفاده از اقدامات تحقیقاتی کمتر موثر را ایجاد می کند یا باعث به تعویق افتادن تحقیقات می گردد، واقعیت همچنان این است که ماده 3 ایجاب می کند که تمام اقدامات معقول می بایست برای اطمینان از انجام تحقیقات موثر و مستقل انجام شود (Mocanu and Others v. Romania [GC], 2014, § 319).

122. در نهایت، مولفه های ارزیابی رعایت الزامات شکلی ماده 3، که با الزامات شکلی ماده 2 همسو می باشند، بر اساس چندین مولفه اساسی ارزیابی می شوند: کفایت اقدامات تحقیقاتی، سرعت عمل انجام تحقیقات، مشارکت شخص قربانی در تحقیقات و استقلال این تحقیقات. این عناصر به هم مرتبط هستند و هر یک از آنها، به طور جداگانه، به خودی خود منتهی به نتیجه نمی گردد. آنها معیارهای هستند که به طور مشترک امکان ارزیابی میزان اثربخشی تحقیقات را فراهم می کنند (R.R. and R.D. v. Slovakia, 2020, § 178, see also Mustafa Tunç and Fecire Tunç v. Turkey [GC], 2015, § 225).

2. استقلال

123. برای اینکه تحقیقی موثر واقع شود، موسسات و اشخاصی که مسئول انجام آن هستند می بایست مستقل از کسانی باشند که مورد هدف قرار گرفته اند. این نه تنها به معنای فقدان هر گونه ارتباط سلسله مراتبی یا نهادی می باشد، بلکه به معنای استقلال عملی نیز است (Bouyid v. Belgium [GC], 2015, § 118).

124. در این رابطه، الزامات قابل اعمال به جای ارزیابی انتزاعی، مستلزم بررسی دقیق استقلال این تحقیقات بطور کامل و همه جانبه می باشد. علاوه بر این، این الزامات مستلزم استقلال مطلق افراد و ارگان های مسئول تحقیقات نمی باشد، بلکه در عوض، این افراد و سازمان های مسئول تحقیقات را ملزم می سازد که به اندازه کافی از ارگان ها و اشخاصی که احتمالاً در تحقق موضوع مورد تحقیق مسئولیت دارند، مستقل باشند. بنابراین، کفایت میزان و سطح استقلال می بایست در پرتو همه شرایط و اوضاع و احوال، که لزوماً برای هر مورد خاص متفاوت است، ارزیابی شود (M.B. and Others v. Slovakia, 2021, § 91).

125. دادگاه دریافت که تحقیقات مورد بحث فاقد استقلال می باشد در جایی که:

– تحقیق کنندگان دادستان های نظامی بودند که مانند متهمان (که دو نفر از آنها ژنرال بودند) افسرانی می باشند که در سلسله مراتب نظامی در یک رابطه تبعی قرار داشتند (Mocanu and Others v. Romania [GC], 2014, § 333)؛

– دادستانی که تحقیقات را انجام می داد رسماً علیه خواهان شکایت کیفری مطرح کرده بود و همچنین تقاضای بازداشت وی را داشت (Boicenco v. Moldova, 2006, § 124)؛

_ مقام تحقیق بخش عمده و اساسی تحقیقات، یعنی شناسایی عواملان بدرفتاری ادعایی را به همان مرجعی که ادعا میشد عواملش مرتکب جرم شده بودند، محول نمود و سپس با استناد به یافته های خود نتیجه گیری کرد که شناسایی افسران پلیس مورد نظر غیرممکن می باشد، بدون آنکه اقدامات بیشتری در این خصوص اتخاذ نماید (Najafli v. Azerbaijan, 2012, §§ 52-54)؛ همچنین به پرونده Bursuc v. Romania, § 104, 2004، مراجعه نمایید، جایی که مدارک و شهود توسط افسران پلیس متعلق به همان نیروی نظامی در همان شهر که تعدادی از افسران آن می بایست مورد تحقیق قرار می گرفتند، جمع آوری و مورد استماع واقع گردید؛

_ سخنگوی وزارت امور داخله که کارفرمای بازپرس مسئول تحقیقات بود، سه روز پس از آغاز تحقیقات جنایی و بدون منتظر ماندن برای نتیجه گیری، به رسانه ها اعلام کرد که خواهان توسط پلیس مورد بدرفتاری قرار نگرفته و اینکه ادعاهای وی صحت ندارد (Emin Huseynov v. Azerbaijan, 2015, § 74)؛

_ رفتار بازرسان فاقد شفافیت و استقلال لازم بود، زیرا هیچ گونه اقدام مستقلی از جمله مصاحبه با خواهان دوم، افسران درگیر در ماجرا و شاهدان عینی و یا دستور به معاینه پزشکی قانونی جراحات خواهان دوم، انجام نشده بود (Đurđević v. Croatia, 2011, §§ 89-90)؛

_ بازپرسان تنها با استناد به روایت مامورین پلیس- از جمله عاملان مورد ادعا و همکارانشان که همگی به نحوی در وقایع مربوطه دست داشته اند- بدون هیچ توجیهی، به شرایط و احوال پرونده جنایی پی بردند، حتی بدون شنیدن اظهارات خواهان و یا هر شاهد دیگری (Virabyan v. Armenia, 2012, §§ 165-167; see also Suleymanov v. Russia, 2013, § 144)؛

_ هنگامی که مقام دادستانی (دادسرا) از پلیسی که تابع سلسله مراتب فرماندهی یکسانی با افسرانی که تحت تعقیب بودند، درخواست کمک کرده بود (Baranin and Vukčević v. Montenegro, 2021, § 144)؛

126. در مقابل، دادگاه استراسبورگ مسئله و مشکلی را در مورد استقلال تحقیقات در شرایط و احوال زیر احراز نمود:

_ مقام اداری مورد ادعا یا کارکنان آن در این پرونده دخیل نبودند و هیچ مدرکی دال بر عدم استقلال آنها وجود نداشت (X and others v. Bulgaria [GC], 2021, § 207)؛

_ این تحقیقات به طور مشخص، نه تنها توسط مقامات قضایی در زمینه دادرسی کیفری، بلکه همچنین توسط یک مقام اداری مستقل که تمام شروط الزامی استقلال را داشت، انجام شده بود (P.M. and F.F. v. France, 2021, § 71)؛

_ تحقیقات توسط دادستانی ایالتی انجام شده بود که هم از نظر سلسله مراتبی و هم از نظر نهادی مستقل از افرادی بود که هدف و موضوع تحقیقات قرار گرفته بودند و این دادستان تمام اقدامات تحقیقاتی را خودش انجام داده و به هیچ یافته ای از کسانی که ممکن است فاقد استقلال سلسله مراتبی یا نهادی لازم باشند، استناد نکرده بود (V.D. v. Croatia (no. 2), 2018, § 69)؛

3. کفایت

127. برای اینکه یک تحقیق "موثر" باشد، می بایست از کفایت لازم برخوردار باشد. این بدان معناست که باید بتواند به اثبات حقایق و تعیین اینکه آیا قوه قهریه بکار رفته در شرایط موجود موجه بوده است یا خیر، منتهی شود و همچنین مسئولین را شناسایی و _ در صورت لزوم _ مجازات نماید (Labita v. Italy [GC], 2000, § 131 and Jeronovičs v. Latvia [GC], 2016, § 103). اگر اینطور نباشد، منع کلی و قانونی شکنجه و رفتار و مجازات غیرانسانی و تحقیرآمیز، علیرغم اهمیت اساسی که دارد، در عمل بی اثر می گردید و در مواردی ممکن بود که حقوق افرادی که تحت تسلط و نظارت عوامل دولتی می باشند با مصونیت غیرواقعی آن مقامات نقض شود (Cestaro v. Italy, 2015, § 204)؛

128. تحقیقات می بایست کامل باشد، به این معنی که مقامات باید همیشه تلاش جدی برای کشف آنچه اتفاق افتاده است انجام دهند و نمی بایست به منظور پایان دادن به تحقیقات خود یا استفاده از آنها به عنوان مبنای تصمیمات خود به نتایج عجولانه یا بی اساس متوسل شوند. آنها می بایست تمام اقدامات معقولی را که در اختیارشان است برای تامین شواهد مربوط به حادثه، از جمله، شهادت شاهدان عینی و شواهد پزشکی قانونی، انجام دهند. هر گونه نقص در تحقیقات که توانایی و امکان تعیین علت صدمات و یا شناسایی هویت افراد مسئول را تضعیف سازد، خطر نقض این معیار، یعنی عدم کفایت تحقیقات را در پی خواهد داشت (El-Masri v. the former Yugoslav Republic of Macedonia [GC], 2012, § 183)؛

129. دادگاه استراسبورگ دریافت که تحقیقات مورد بحث در موارد زیر کافی نمی باشد:

_ مقامات تحقیق هنگام رد ادعاهای خواهان مبنی بر بدرفتاری از سوی پلیس، بیشتر به اظهارات عاملان و سایر افسران پلیس و همچنین سوابق درون سازمانی پلیس استناد نمودند (M.F. v. Hungary (2017, § 55)؛ همچنین به پرونده Archip v. Romania, §§ 66-71, 2011، مراجعه کنید، جایی که مقامات قضایی بدون ارائه جزئیات زیادی در مورد شرایط و اوضاع و احوال واقعی و بدون بررسی دقیق واقعیات و شرایط حادثه، نتیجه گیری نمودند و مقامات تحقیق رویکردی گزینشی و تا حدی متناقض در ارزیابی شواهد اتخاذ داشتند (§§ 66-71)؛

_ علیرغم ادعاهای معتبر مبنی بر بدرفتاری، مقامات مربوطه منفعل ماندند و در انجام تحقیقات رسمی قصور ورزیدند (M.S. v. Croatia (no. 2), 2015،)؛ (Hovhannisyán v. Armenia, 2018, §§ 58-59؛ §§ 81-84)؛

_ یکی از مرتکبان بدرفتاری علیرغم معرفی وی توسط خواهان، هرگز به طور رسمی شناسایی و متهم نگردید (Barovov v. Russia, 2021, § 39)؛

_ مقامات داخلی موفق به شناسایی و بازجویی از افسران پلیس بیگان تخصصی، با ماسک های بدون شماره و یا حروف شناسایی که در حمله به منزلی که خواهان ادعا می کرد با او بدرفتاری شده بود شرکت داشتند، نگردیدند (Hristovi v. Bulgaria, 2011, § 91)؛

_ مقامات مربوطه مرتکب اشتباهات رویه ای (شکلی) شده اند که مجموع مدارک اصلی را غیرقابل استماع و منجر به بن بست در دادرسی کیفری می کرد (Maslova and Nalbandov v. Russia, 2008, §§ 92-97).

130. در مقابل، با توجه به اقدامات متعدد اتخاذ شده توسط مقامات داخلی، دادگاه استراسبورگ در رابطه با کفایت تحقیقات در موارد زیر مسئله ای را احراز نمود:

_ پرونده Baklanov v. Ukraine, 2013، مربوط به بدرفتاری و قلدری بود که خواهان در طول خدمت سربازی اجباری خود ادعا کرده بود؛

_ پرونده V.D. v. Croatia (no. 2), 2018، مربوط به تحقیقات تازه ای بود که توسط دفتر دادستانی اپالتی در رابطه با اتهامات بدرفتاری که دادگاه استراسبورگ قبلاً نقض ماده 3 را برای آن تشخیص داده بود، آغاز کرد؛

_ پرونده P.M. and F.F. v. France, 2021، مربوط به ادعاهایی مبنی بر بدرفتاری با خواهان ها توسط پلیس در طول بازجویی و در حین بازداشت در بازداشتگاه پلیس بود.

4. فوریت و شتاب معقول

131. ماده 3 ایجاب می کند که تحقیقات بطور فوری و با سرعتی معقول انجام شود. در حالی که ممکن است موانع یا مشکلاتی وجود داشته باشد که مانع از پیشرفت تحقیقات در یک موقعیت خاص شود. واکنش فوری مقامات در بررسی اتهامات مربوط به بدرفتاری، بطور کلی، ممکن است برای حفظ اعتماد عمومی در پایبندی آنها به حاکمیت قانون و جلوگیری از هر گونه تبانی یا تحمل اعمال غیرقانونی، ضروری تلقی شود (Bouyid v. Belgium [GC], 2015،) (§ 121).

132. دادگاه استراسبورگ دریافته است که مقامات داخلی، از جمله، در موارد زیر به فوریت و با سرعت معقولی تحقیق نکرده اند:

_ سپری شدن هشت سال و چهار ماه در سه مرحله رسیدگی قضایی بلحاظ کیفری مربوط به خشونت خانگی علیه یک فرد خردسال (D.M.D. v. Romania, 2017)؛ همچنین مراجعه کنید به پرونده Y. v. Slovenia, § 99, 2015، در جایی که بیش از هفت سال از زمانی که خواهان شکایت خود را در مورد آزار جنسی تا زمان صدور رای بدوی تسلیم کرد، می گذشت؛

_ در زمینه بدرفتاری در زندان، محاکمه زندانبانان تا پنج سال و هشت ماه پس از طرح شکایت کیفری آغاز شد و در زمان بررسی پرونده در دادگاه استراسبورگ، رسیدگی هنوز در جریان بود (Indelicato v. Italy, 2001, § 37)؛

_ تاخیرهای غیر موجهی در شناسایی شهود یا اخذ اظهارات آنها وجود داشت (Baranin and Vukčević v. Montenegro, 2021, § 142, 11 and)؛ (Mățășaru and Savițchi v. Moldova, 2010, §§ 88 and 93)؛

اطاله دادرسی کیفری غیر موجه منجر به انقضای مرور زمان شده بود (*Angelova and Iliev v. Bulgaria*, 2007, §§ 101-103; *Barovov v. Russia*, 2021, §§ 39 and 42):

تاخیر در مصاحبه با یک متخصص صاحب نام و کلیدی در زمان مقتضی، عدم دستیابی به نشانه های واضح بدرفتاری و همچنین یک دوره کلی طولانی که طی آن یک رای هم صادر نشد (*I.E. v. the Republic of Moldova*, 2020, § 52):

تاخیر در به دست آوردن شواهد شفاهی از خواهان ها، که افراد زیر سن قانونی و قربانیان بدرفتاری با انگیزه نژادی بودند، وجود داشت (*M.B. and Others v. Slovakia*, 2021, §§ 82- 83).

133. برعکس، دادگاه استراسبورگ دریافت که تحقیقات چنانچه بدون رعایت شرط الزامی فوریت و سرعت معقول در انجام آن باشد، منعی ندارد، هنگامی که به عنوان مثال:

طول تحقیقات را بتوان با گستره ی تجسس های انجام شده توضیح داد، زیرا جلسات رسیدگی متعدد و با کمتر از چهار ارزیابی کارشناسی انجام شده بود (*Ghedir and Others v. France*, 2015, § 133):

در جایی که رسیدگی به موضوع غرامت، بسیار طولانی بود (15 سال)، لیکن منجر به اثبات ایراد صدمات شدید بدنی به خواهان شده بود و افراد مسئول را پاسخگو نموده و به او غرامت اعطا کرد (*Isayeva v. Ukraine*, 2018, §§ 63- 66):

علیرغم پیچیدگی نسبی پرونده که مستلزم بازجویی از چندین شاهد، اخذ گزارش یک کارشناس و سایر شواهد مربوط به این حادثه بود، تحقیقات در مجموع تقریباً شش ماه به طول انجامید (*V.D. v. Croatia (no. 2)*, 2018, § 80).

5. بررسی و نظارت عمومی و مشارکت قربانی

134. تحقیقات می بایست دارای مولفه ی نظارت عمومی و همگانی کافی برای تضمین پاسخگویی در عمل و همچنین در تئوری باشد (*Al Nashiri v. Romania*, 2018, § 641 و پرونده هایی که در آن ذکر شده است).

135. به علاوه، قربانی می بایست بتواند به طور موثری در تحقیقات شرکت کند (*Bouyid v. Belgium* [GC], 2015, § 122 and *X and Others v. Bulgaria* [GC], 2021, § 189); با این حال، افشای یا انتشار گزارش های پلیس و مطالب و اسناد تحقیقاتی ممکن است شامل موضوعات حساس با اثرات مخرب احتمالی برای افراد خصوصی یا سایر تحقیقات باشد. بنابراین، نمی توان آن را به عنوان یک الزام خودکار تلقی نمود که به قربانی یا نزدیکانش اجازه دسترسی به تحقیقات در حین پیشرفت آن داده شود. دسترسی لازم ممکن است در مراحل دیگری از روبه های موجود فراهم شود و مقامات تحقیق وظیفه ندارند که هر درخواستی در خصوص یک اقدام تجسسی خاص در جریان یک تحقیقات را برآورده سازند (*Stevan Petrović v. Serbia*, 2021, § 109).

136. دادگاه استراسبورگ دریافته است که تحقیقات به اندازه کافی در دسترس قربانی نبوده یا اجازه بررسی عمومی کافی را در موارد زیر نمی داد:

بازپرس شخصاً به قربانیان گوش نداده یا روایت آنها از وقایع را در تصمیماتی که حتی به آنها ابلاغ نشده بود، ذکر نکرده است (*Dedovski and Others v. Russia*, 2008, § 92):

هیچ رویه خاصی در قوانین داخلی که اجازه دسترسی به پرونده را در مراحل مقدماتی دادرسی بدهد وجود نداشت و به ویژه در فهرستی از دلایل امتناع و اعطای دسترسی نیز رویه خاصی در این خصوص وجود نداشت، همچنین هیچ رویه خاصی در خصوص میزان دسترسی که به یک مدعی ممکن است داده شود، محدودیت های زمانی برای رسیدگی به درخواست های مربوطه و فراهم کردن دسترسی، در قوانین داخلی وجود نداشت (*Oleksiy Mykhaylovych v. Ukraine*, 2010, § 73):

مقامات به طور مداوم اطلاعات مربوط به تصمیمات خود را مخفی کرده و یا برخلاف الزام صریح قوانین داخلی ارائه این اطلاعات به خواهان ها را بطور قابل ملاحظه ای به تاخیر انداخته بودند (*Chernega and Others v. Ukraine*, 2019, § 166).

137. در مقابل، زمانی که اطلاعات و دسترسی کافی به پرونده به قربانی داده شده بود تا بتواند حقایق را اثبات کند و شواهد بدست آمده در تحقیقات را مطرح نماید، دادگاه استراسبورگ هیچ مشکلی را در رابطه با بررسی و نظارت همگانی یا مشارکت قربانی در این خصوص احراز نمود (*V.D. v. Croatia*) (no. 2), 2018, § 78).

و. مسائل مربوط به تعقیب، مجازات و جبران خسارت

138. دادگاه استراسبورگ تاکید کرده است که تعهد به انجام تحقیقاتی موثر، تعهد به نتیجه نمی باشد، بلکه تعهد به وسیله است (*X and Others v. Bulgaria* [GC], 2021, § 186). هنگامی که تحقیقات رسمی منجر به طرح دعوی و رسیدگی در محاکم داخلی شده باشد، رسیدگی، بطور کلی، از جمله مرحله محاکمه، می بایست الزامات ماده 3 کنوانسیون را محقق سازد. این شامل مجازات های اعمال شده در پایان آن رسیدگی ها نیز می باشد. در حالی که هیچ تعهد مطلق وجود ندارد که همه تعقیب ها منجر به محکومیت یا مجازات خاصی شود، محاکم ملی تحت هیچ شرایطی نمی بایست اجازه دهند که حملات شدیدی علیه تمامیت جسمی و روحی بدون مجازات باقی بماند و یا در خصوص جرایم جدی، مجازات های بیش از حد سبکی اعمال شود. بنابراین، نکته مهمی که دادگاه استراسبورگ می بایست بررسی کند این است که آیا و تا چه حد ممکن است تصور شود که دادگاه ها به هنگام نتیجه گیری، پرونده را مورد بررسی دقیق قرار داده اند، به طوری که اثر بازدارنده سیستم قضایی موجود، و اهمیت نقشی که باید در جلوگیری از نقض منع بدرفتاری ایفا کند، تضعیف نشود (*Sabalić v. Croatia*, 2021, § 97).

139. نتیجه این است که، ضمن اعطای احترام و حرمت اساسی به مقامات و محاکم ملی در انتخاب مجازات های مناسب برای بدرفتاری، دادگاه استراسبورگ می بایست بطور خاص از اختیار بازبینی و رسیدگی مجددی برخوردار باشد و در موارد عدم تناسب آشکار بین شدت عمل و مجازات تعیین شده مداخله نماید (*Myumyun v. Bulgaria*, 2015, § 67).

140. در مواردی که عوامل دولتی به جرایمی مرتبط با بدرفتاری متهم شده اند، مهم است که آنها در طول تحقیقات یا انجام محاکمه می بایست از کار معلق شوند و در صورت محکومیت از کار برکنار گردند (*Gäfgen v. Germany* [GC], 2010, § 125; *Barovov v. Russia*, 2021, § 43).

141. دادگاه استراسبورگ همچنین اعلام داشته است که در پرونده های مربوط به شکنجه یا بدرفتاری که توسط عوامل دولتی انجام می شود، رسیدگی کیفری نمی بایست به دلیل مرور زمان متوقف شود و همچنین عفو و بخشودگی در چنین مواردی نمی بایست اعطا گردد (*Mocanu and Others v. Romania* [GC], 2014, § 326). این اصل به اعمال خشونت آمیز ارتكابی توسط افراد خصوصی نیز تعمیم داده شده است، به ویژه در مواردی که به نقض شدید حقوق اساسی بشر مربوط می شود (*E.G. v. the Republic of Moldova*, 2021, § 43; *Pulfer v. Albania*, 2018, § 83).

142. در نهایت، در موارد بدرفتاری عمدی توسط عوامل دولتی برخلاف ماده 3، دادگاه استراسبورگ مکررا مقرر داشته است که دو اقدام برای ارائه جبران خسارت کافی، ضروری می باشد. اولاً، مقامات دولتی می بایست تحقیقات کامل و موثری را انجام داده باشند که بتواند به شناسایی و مجازات مسئولین منجر شود. ثانیاً، در صورت اقتضاء، اعطای غرامت به خواهان یا حداقل امکان جستجو و دریافت غرامت برای خسارتی که خواهان در نتیجه بدرفتاری متحمل شده است، لازم می باشد (*Gäfgen v. Germany* [GC], 2010, § 116; *Razzakov v. Russia*, 2015, § 50).

ه. تحقیقات پیرامون جرایم ناشی از نفرت

143. دادگاه استراسبورگ با توجه به نیاز به تاکید مستمر بر محکومیت نژاد پرستی توسط جامعه به منظور حفظ اعتماد اقلیت ها به توانایی مقامات در محافظت از آنها در برابر تهدید به خشونت نژادپرستانه، بر الزام خاص برای تحقیق در مورد حمله ای با مضمون و منشاء نژادی تاکید کرده است که می بایست با قدرت و بیطرفی دنبال شود (*Antayev and Others v. Russia*, 2014, § 110).

144. بنابراین، هنگام بررسی حوادث خشونت آمیز ناشی از نگرش های مشکوک به نژادپرستی، مقامات دولتی موظفند تمام اقدامات منطقی را اتخاذ نمایند تا مشخص شود که آیا انگیزه های نژادپرستانه وجود داشته است یا خیر و مشخص شود که آیا احساسات نفرت یا تعصبات مبتنی بر منشاء قومی یک فرد در این اتفاقات نقش داشته است یا خیر. برخورد با خشونت و وحشیگری با انگیزه نژادی در شرایطی برابر با مواردی که فاقد هر گونه مضامین نژادپرستانه هستند، به منزله چشم پوشی از ماهیت خاص اعمالی است که به ویژه حقوق بنیادی بشر را نقض می نمایند (*Abdu v. Bulgaria*, 2014, § 44). تعهد مذکور بخشی از مسئولیتی است که طبق ماده 14 کنوانسیون و در ارتباط با ماده 3، بر عهده دولت ها می باشد، اما همچنین جنبه ای از تعهدات شکلی ناشی از ماده 3 کنوانسیون می باشد (*M.F. v. Hungary*, 2017, § 73). همچنین در مواردی اعمال می گردد که نوع معینی از رفتار مغایر با ماده 3 توسط یک فرد خصوصی اعمال شود (*Abdu v. Bulgaria*, 2014, § 44).

145. علاوه بر این، چنین تحقیقاتی نه تنها به اقدامات خشونت آمیز مبتنی بر وضعیت یا ویژگی های شخصی واقعی یا فرضی قربانی مربوط می شود، بلکه همچنین مربوط به اعمال خشونت آمیز مبتنی بر ارتباط یا وابستگی واقعی یا فرضی قربانی با شخص دیگری نیز می باشد که واقعا یا احتمالا دارای یک وضعیت خاص یا مشخصه حمایت شده است (Škorjanec v. Croatia, 2017, § 56).

146. اثبات انگیزه نژادی اغلب در عمل دشوار خواهد بود. تعهد دولت خوانده برای بررسی مضامین نژادپرستانه احتمالی در خصوص یک اقدام خشونت آمیز، تعهدی به استفاده از بهترین تلاش ها است و نه کامل ترین و بی نقص ترین آنها. مقامات می بایست آنچه را که در شرایط فعلی معقول است برای جمع آوری و تامین شواهد انجام دهند، تمامی ابزارهای عملی برای کشف حقیقت را بررسی کنند و تصمیمات کاملا مستدل، بی طرفانه و عینی را بدون حذف حقایق مشکوک که ممکن است نشان دهنده خشونت با انگیزه نژادی باشد، اتخاذ نمایند (Antayev and Others v. Russia, 2014, § 122).

147. همین ملاحظات در مورد خشونت ناشی از، به عنوان مثال، عدم تحمل مذهبی یا خشونت ناشی از تبعیض مبتنی بر جنسیت یا گرایش جنسی نیز مطرح می شود (Sabalić v. Croatia, 2021, § 94).

148. اطلاعات دقیق تر را می توان در راهنمایی بر روبه قضایی در مورد ماده 14 و ماده یک پروتکل شماره 12، منع تبعیض یافت.

و. تعهدات شکلی در زمینه های فرامرزی

149. شرط اثربخشی تحقیقات جنایی ممکن است در برخی شرایط شامل تعهد مقامات تحقیق به همکاری با مقامات کشور دیگر باشد که متضمن الزام به درخواست یا ارائه کمک می باشد. ماهیت و دامنه این تعهدات ناگزیر به شرایط و اوضاع و احوال هر مورد خاص بستگی خواهد داشت، برای مثال، اینکه آیا شواهد اصلی در قلمرو دولت متعاقد مربوطه قرار دارد یا اینکه مظنونین به آنجا گریخته اند، این بدان معناست که دولت های مربوطه می بایست هر اقدام معقولی را که می توانند برای همکاری با یکدیگر اتخاذ نمایند و با حسن نیت امکاناتی را که بر اساس اسناد بین المللی قابل اجرا در زمینه مساعدت و همکاری های حقوقی متقابل در امور جنایی در دسترس است، تماما بکار گیرند، اگرچه دادگاه استراسبورگ صلاحیت نظارت و اقدام بر اساس معاهدات یا تعهدات بین المللی غیر از کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را ندارد، اما معمولا در این زمینه بررسی می کند که آیا دولت خوانده از امکانات موجود به موجب این اسناد استفاده کرده است یا خیر (X and others v. Bulgaria [GC], 2021, § 19).

ز. تجدید تعهدات شکلی

150. یک تعهد شکلی ممکن است پس از یک تحول جدید نیاز به تجدیدنظر و یا بازبینی مجدد داشته باشد، زیرا کشف شواهد یا اطلاعات جدید ممکن است نتایج تحقیقات یا محاکمه قبلی را مورد تردید قرار دهد (Egmez v. Cyprus (dec.), 2012, § 63). ماهیت و وسعت هر گونه تحقیقات بعدی که به موجب تعهدات شکلی مورد نیاز است، ناگزیر به شرایط و اوضاع و احوال هر مورد خاص بستگی دارد و ممکن است با آنچه که بلافاصله پس از وقوع بدرفتاری انتظار می رود بسیار متفاوت باشد (Jeronovičs v. Latvia [GC], 2016, § 107).

فهرست پرونده های استنادی

رویه قضایی مورد استناد در این راهنما به احکام یا تصمیمات صادره شده توسط دادگاه اروپایی حقوق بشر و به تصمیمات یا گزارش های کمیسیون اروپایی حقوق بشر اشاره دارد.

همه ارجاعات مربوط به حکمی است که ماهیتا توسط یک شعبه دادگاه صادره شده است، مگر اینکه خلاف آن ذکر شده باشد. مخفف "(dec.)" نشان می دهد که استناد به یک تصمیم دادگاه است و "(GC)" نشان دهنده آن است که پرونده توسط شعبه عالی رسیدگی شده است.

پیوندهای مربوط به پرونده های ذکر شده در نسخه الکترونیکی این راهنما به پایگاه داده (<http://hudoc.echr.coe.int>) هدایت می شود که دسترسی به رویه قضایی این دادگاه (احکام و تصمیمات، پرونده های ابلاغ شده و نظرات مشورتی شعب عالی، شعب بدوی و کمیته و تخصیص اطلاعات حقوقی راجع به رویه قضایی) و رویه قضایی کمیسیون (تصمیمات و گزارشات) و مصوبات کمیته وزیران را فراهم می سازد.

دادگاه احکام و تصمیمات خود را به زبان انگلیسی و / یا فرانسوی، دو زبان رسمی خود صادر می نماید. HUDOC همچنین شامل ترجمه بسیاری از پرونده های مهم به بیش از 30 زبان غیررسمی و پیوندهایی به حدود یکصد مجموعه رویه قضایی آنلاین می باشد که توسط اشخاص ثالث تهیه شده است.

—A—

- [A v. Russia](#), no. 37735/09, 12 November 2019
- [A. v. the United Kingdom](#), 23 September 1998, Reports of Judgments and Decisions 1998-VI
- [A and B v. Croatia](#), no. 7144/15, 20 June 2019
- [A. and Others v. the United Kingdom \[GC\]](#), no. 3455/05, ECHR 2009
- [A.L. \(X.W.\) v. Russia](#), no. 44095/14, 29 October 2015
- [A.P. v. Slovakia](#), no. 10465/17, 28 January 2020
- [A.P., Garçon and Nicot v. France](#), nos. 79885/12 and 2 others, 6 April 2017
- [Abdu v. Bulgaria](#), no. 26827/08, 11 March 2014
- [Abdyusheva and Others v. Russia](#), nos. 58502/11 and 2 others, 26 November 2019
- [Abu Zubaydah v. Lithuania](#), no. 46454/11, 31 May 2018
- [Aggerholm v. Denmark](#), no. 45439/18, 15 September 2020
- [Aghdgomelashvili and Japaridze v. Georgia](#), no. 7224/11, 8 October 2020
- [Akkum v. Turkey](#), no. 21894/93, ECHR 2005-II (extracts)
- [Akpınar and Altun v. Turkey](#), no. 56760/00, 27 February 2007
- [Aksoy v. Turkey](#), 18 December 1996, Reports of Judgments and Decisions 1996-VI

[Ali Güneş v. Turkey](#), no. 9829/07, 10 April 2012

[Al Nashiri v. Poland](#), no. 28761/11, 24 July 2014

[Al Nashiri v. Romania](#), no. 33234/12, 31 May 2018

[Al-Saadoon and Mufdhi v. the United Kingdom](#), no. 61498/08, ECHR 2010

[Ananyev and Others v. Russia](#), nos. 42525/07 and 60800/08, 10 January 2012

[Angelova and Iliev v. Bulgaria](#), no. 55523/00, 26 July 2007

[Antayev and Others v. Russia](#), no. 37966/07, 3 July 2014

[Anzhelo Georgiev and Others v. Bulgaria](#), no. 51284/09, 30 September 2014

[Archip v. Romania](#), no. 49608/08, 27 September 2011

[Assenov and Others v. Bulgaria](#), 28 October 1998, Reports of Judgments and Decisions 1998-VIII

[Association Innocence en Danger and Association Enfance et Partage v. France](#), nos. 15343/15 and 16806/15, 4 June 2020

[Aswat v. UK](#), no. 17299/12, 16 April 2013

[AydIn v. Turkey](#), 25 September 1997, Reports of Judgments and Decisions 1997-VI

—B—

[Babar Ahmad and Others v. the United Kingdom](#), nos. 24027/07 and 4 others, 10 April 2012

[Baklanov v. Ukraine](#), no. 44425/08, 24 October 2013

[Baranin and Vukčević v. Montenegro](#), nos. 24655/18 and 24656/18, 11 March 2021

[Barovov v. Russia](#), no. 9183/09, 15 June 2021

[Barbotin v. France](#), no. 25338/16, 19 November 2020

[Barta v. Hungary](#), no. 26137/04, 10 April 2007

[Bataliny v. Russia](#), no. 10060/07, 23 July 2015

[BatI and Others v. Turkey](#), nos. 33097/96 and 57834/00, ECHR 2004-IV (extracts)

[Beganović v. Croatia](#), no. 46423/06, 25 June 2009

[Berliński v. Poland](#), nos. 27715/95 and 30209/96, 20 June 2002

[Blokhin v. Russia\[GC\]](#), no. 47152/06, 23 March 2016

[Boicenco v. Moldova](#), no. 41088/05, 11 July 2006

[Boukrourou and Others v. France](#), no. 30059/15, 16 November 2017

[Bouyid v. Belgium](#) [GC], no. 23380/09, ECHR 2015

[Burlya and Others v. Ukraine](#), no. 3289/10, 6 November 2018

[Bursuc v. Romania](#), no. 42066/98, 12 October 2004

[Buturugă v. Romania](#), no. 56867/15, 11 February 2020

—C—

[Cangöz and Others v. Turkey](#), no. 7469/06, 26 April 2016

[Castellani v. France](#), no. 43207/16, 30 April 2020

[Cazan v. Romania](#), no. 30050/12, 5 April 2016

[Cestaro v. Italy](#), no. 6884/11, 7 April 2015

[Chember v. Russia](#), no. 7188/03, ECHR 2008

[Chernega and Others v. Ukraine](#), no. 74768/10 18 June 2019

[Ciorap v. Moldova](#), no. 12066/02, 19 June 2007

[Comorașu v. Romania](#), no. 16270/12, 31 May 2016

[Cyprus v. Turkey](#) [GC], no. 25781/94, ECHR 2001-IV

—D—

[D.F. v. Latvia](#), no. 11160/07, 29 October 2013

[D.M.D. v. Romania](#), no. 23022/13, 3 October 2017

[D.P. and J.C. v. the United Kingdom](#), no. 38719/97, 10 October 2002

[Daşilk v. Turkey](#), no. 38305/07, 13 June 2017

[Dedovskiy and Others v. Russia](#), no. 7178/03, ECHR 2008 (extracts)

[Dembele v. Switzerland](#), no. 74010/11, 24 September 2013

[Đorđević v. Croatia](#), no. 41526/10, ECHR 2012

[Đorđević v. Croatia](#), no. 52442/09, ECHR 2011 (extracts)

[Dvořák v. the Czech Republic](#), no. 12927/13, 6 November 2014

—E—

[E.G. v. the Republic of Moldova](#), no. 37882/13, 13 April 2021
[Egmez v. Cyprus](#) (dec.), no. 12214/071, 18 September 2012
[Elberte v. Latvia](#), no. 61243/08, ECHR 2015
[El-Masri v. the former Yugoslav Republic of Macedonia](#) [GC], no. 39630/09, ECHR 2012
[Emin Huseynov v. Azerbaijan](#), no. 59135/09, 7 May 2015
[Enea v. Italy](#) [GC], no. 74912/01, ECHR 2009
[Enzile Özdemir v. Turkey](#), no. 54169/00, 8 January 2008
[Erdal Aslan v. Turkey](#), nos. 25060/02 and 1705/03, 2 December 2008

—G—

[Gäfgen v. Germany](#) [GC], no. 22978/05, ECHR 2010
[Georgel and Georgeta Stoicescu v. Romania](#), no. 9718/03, 26 July 2011
[Georgia v. Russia \(I\)](#) [GC], no. 13255/07, ECHR 2014 (extracts)
[Georgia v. Russia \(II\)](#) [GC] (merits), no. 38263/08, 21 January 2021
[Ghedir and Others v. France](#), no. 20579/12, 16 July 2015
[Gorobet v. Moldova](#), no. 30951/10, 11 October 2011
[Gutsanovi v. Bulgaria](#), no. 34529/10, ECHR 2013 (extracts)

—H—

[Harkins and Edwards v. the United Kingdom](#), nos. 9146/07 and 32650/07, 17 January 2012
[Hasan İlhan v. Turkey](#), no. 22494/93, 9 November 2004
[Herczegfalvy v. Austria](#), 24 September 1992, Series A no. 244
[Hristovi v. Bulgaria](#), no. 42697/05, 11 October 2011
[Hristozov and Others v. Bulgaria](#), nos. 47039/11 and 358/12, ECHR 2012 (extracts)
[Hovhannisyan v. Armenia](#), no. 18419/13, 19 July 2018
[Hudorovič and Others v. Slovenia](#), nos. 24816/14 and 25140/14, 10 March 2020
[Hutchinson v. the United Kingdom](#) [GC], no. 57592/08, 17 January 2017

— I —

[I.C. v. Romania](#), no. 36934/08, 24 May 2016

[I.E. v. the Republic of Moldova](#), no. 45422/13, 26 May 2020

[Idalov v. Russia](#) [GC], no. 5826/03, 22 May 2012

[Identoba and Others v. Georgia](#), no. 73235/12, 12 May 2015

[Ilașcu and Others v. Moldova and Russia](#) [GC], no. 48787/99, ECHR 2004-VII

[İlhan v. Turkey](#) [GC], no. 22277/93, ECHR 2000-VII

[Ilias and Ahmed v. Hungary](#) [GC], no. 47287/15, 21 November 2019

[Ilievi and Ganchevi v. Bulgaria](#), nos. 69154/11 and 69163/11, 8 June 2021

[İltümür Ozan and Others v. Turkey](#), no. 38949/09, 16 February 2021

[Imakayeva v. Russia](#), no. 7615/02, ECHR 2006-XIII (extracts)

[Indelicato v. Italy](#), no. 31143/96, 18 October 2001

[Ioan Pop and Others v. Romania](#), no. 52924/09, 6 December 2016

[Ireland v. the United Kingdom](#), 18 January 1978, Series A no. 25

[Ireland v. the United Kingdom](#) (revision), no. 5310/71, 20 March 2018

[Irina Smirnova v. Ukraine](#), no. 1870/05, 13 October 2016

[Isayeva v. Ukraine](#), no. 35523/06, 4 December 2018

[Iwańczuk v. Poland](#), no. 25196/94, 15 November 2001

[İzci v. Turkey](#), no. 42606/05, 23 July 2013

— J —

[J.M. v. France](#), no. 71670/14, 5 December 2019

[Jalloh v. Germany](#) [GC], no. 54810/00, ECHR 2006-IX

[Janowiec and Others v. Russia](#) [GC], nos. 55508/07 and 29520/09, ECHR 2013

[Jeronovičs v. Latvia](#) [GC], no. 44898/10, 5 July 2016

— K —

[Kagirov v. Russia](#), no. 36367/09, 23 April 2015

[Kanciał v. Poland](#), no. 37023/13, 23 May 2019
[Kalashnikov v. Russia](#), no. 47095/99, ECHR 2002-VI
[Karachentsev v. Russia](#), no. 23229/11, 17 April 2018
[Khadzhaliyev and Others v. Russia](#), no. 3013/04, 6 November 2008
[Khan v. France](#), no. 12267/16, 28 February 2019
[Khlaifia and Others v. Italy](#) [GC], no. 16483/12, ECHR 2016 (extracts)
[Korneykova and Korneykov v. Ukraine](#), no. 56660/12, 24 March 2016
[Krsmanović v. Serbia](#), no. 19796/14, 19 December 2017
[Kudła v. Poland](#) [GC], no. 30210/96, ECHR 2000-XI
[Kurt v. Austria](#) [GC], no. 62903/15, 15 June 2021

—L—

[Labita v. Italy](#) [GC], no. 26772/95, ECHR 2000-IV
[López Ostra v. Spain](#), 9 December 1994, Series A no. 303-C
[Lutsenko and Verbytsky v. Ukraine](#), nos. 12482/14 and 39800/14, 21 January 2021
[Lyalyakin v. Russia](#), no. 31305/09, 12 March 2015
[Lyapin v. Russia](#), no. 46956/09, 24 July 2014

—M—

[M. and M. v. Croatia](#), no. 10161/13, ECHR 2015 (extracts)
[M.B. and Others v. Slovakia](#), no. 45322/17, 1 April 2021
[M.C. v. Bulgaria](#), no. 39272/98, ECHR 2003-XII
[M.F. v. Hungary](#), no. 45855/12, 31 October 2017
[M.G.C. v. Romania](#), no. 61495/11, 15 March 2016
[M.K. and Others v. Poland](#), nos. 40503/17 and 2 others, 23 July 2020
[M.P. and Others v. Bulgaria](#), no. 22457/08, 15 November 2011
[M.S. v. Croatia \(no. 2\)](#), no. 75450/12, 19 February 2015
[M.S.S. v. Belgium and Greece](#) [GC], no. 30696/09, ECHR 2011

[Mafalani v. Croatia](#), no. 32325/13, 9 July 2015

[Makaratzis v. Greece](#) [GC], no. 50385/99, ECHR 2004-XI

[Marguš v. Croatia](#) [GC], no. 4455/10, ECHR 2014 (extracts)

[Maslova and Nalbandov v. Russia](#), no. 839/02, 24 January 2008

[Mățășaru and Savițchi v. Moldova](#), no. 38281/08, 2 November 2010

[Members of the Gldani Congregation of Jehovah's Witnesses and Others v. Georgia](#), no. 71156/01, 3 May 2007

[Milanović v. Serbia](#), no. 44614/07, 14 December 2010

[Mocanu and Others v. Romania](#) [GC], nos. 10865/09 and 2 others, ECHR 2014 (extracts)

[Mozer v. Moldova and Russia](#) [GC], no. 11138/10, 23 February 2016

[Mubilanzila Mayeka and Kaniki Mitunga v. Belgium](#), no. 13178/03, ECHR 2006-XI

[Murray v. the Netherlands](#) [GC], no. 10511/10, 26 April 2016

[Muršić v. Croatia](#) [GC], no. 7334/13, ECHR 2016

[Musayev and Others v. Russia](#), nos. 57941/00 and 2 others, 26 July 2007

[Mustafa Tunç and Fecire Tunç v. Turkey](#) [GC], no. 24014/05, 14 April 2015

[Myumyun v. Bulgaria](#), no. 67258/13, 3 November 2015

—N—

[N.B. v. Slovakia](#), no. 29518/10, 12 June 2012

[N.Ç. v. Turkey](#), no. 40591/11, 9 February 2021

[N.H. and Others v. France](#), nos. 28820/13 and 2 others, 2 July 2020

[N.P. and N.I. v. Bulgaria](#) (dec.), no. 72226/11, 3 May 2016

[Najafli v. Azerbaijan](#), no. 2594/07, 2 October 2012

[Naoumenko v. Ukraine](#), no. 42023/98, 10 February 2004

[Necdet Bulut v. Turkey](#), no. 77092/01, 20 November 2007

[Neshkov and Others v. Bulgaria](#), nos. 36925/10 and 5 others, 27 January 2015

[Nesibe Haran v. Turkey](#), no. 28299/95, 6 October 2005

[Nevmerzhitsky v. Ukraine](#), no. 54825/00, ECHR 2005-II (extracts)

[Nicolae Virgiliu Tănase v. Romania](#) [GC], no. 41720/13, 25 June 2019

—O—

[O’Keeffe v. Ireland](#) [GC], no. 35810/09, ECHR 2014 (extracts)

[Okkali v. Turkey](#), no. 52067/99, ECHR 2006-XII (extracts)

[Oleksiy Mykhaylovych Zakharkin v. Ukraine](#), no. 1727/04, 24 June 2010

[Öneryıldız v. Turkey](#) [GC], no. 48939/99, ECHR 2004-XII

[Opuz v. Turkey](#), no. 33401/02, ECHR 2009

[Orhan v. Turkey](#), no. 25656/94, 18 June 2002

[Oya Ataman v. Turkey](#), no. 74552/01, ECHR 2006-XIV

—P—

[P.M. and F.F. v. France](#), nos. 60324/15 and 60335/15, 18 February 2021

[Pantea v. Romania](#), no. 33343/96, ECHR 2003-VI (extracts)

[Petrosyan v. Azerbaijan](#), no. 32427/16, 4 November 2021

[Portu Juanenea and Sarasola Yarzabal v. Spain](#), no. 1653/13, 13 February 2018

[Pranjić-M-Lukić v. Bosnia and Herzegovina](#), no. 4938/16, 2 June 2020

[Preminin v. Russia](#), no. 44973/04, 10 February 2011

[Pulfer v. Albania](#), no. 31959/13, 20 November 2018

—R—

[R.B. v. Estonia](#), no. 22597/16, 22 June 2021

[R.R. v. Poland](#), no. 27617/04, ECHR 2011 (extracts)

[R.R. and R.D. v. Slovakia](#), no. 20649/18, 1 September 2020

[R.S. v. Hungary](#), no. 65290/14, 2 July 2019

[Rachwalski and Ferenc v. Poland](#), no. 47709/99, 28 July 2009

[Ramirez Sanchez v. France](#) [GC], no. 59450/00, ECHR 2006-IX

[Raninen v. Finland](#), 16 December 1997, Reports of Judgments and Decisions 1997-VIII

[Razzakov v. Russia](#), no. 57519/09, 5 February 2015

[Rodić and Others v. Bosnia and Herzegovina](#), no. 22893/05, 27 May 2008

[Rooman v. Belgium](#) [GC], no. 18052/11, 31 January 2019

[Roth v. Germany](#), nos. 6780/18 and 30776/18, 22 October 2020

—S—

[S.M. v. Croatia](#) [GC], no. 60561/14, 25 June 2020

[Sabalić v. Croatia](#), no. 50231/13, 14 January 2021

[Sakir v. Greece](#), no. 48475/09, 24 March 2016

[Salakhov and Islyamova v. Ukraine](#), no. 28005/08, 14 March 2013

[Salman v. Turkey](#) [GC], no. 21986/93, ECHR 2000-VII

[Satybalova and Others v. Russia](#), no. 79947/12, 30 June 2020

[Savran v. Denmark](#) [GC], no. 57467/15, 7 December 2021

[Schmidt v. Germany](#) (dec.), no. 32352/02, 5 January 2006

[Selçuk and Asker v. Turkey](#), 24 April 1998, Reports of Judgments and Decisions 1998-II

[Selmouni v. France](#) [GC], no. 25803/94, ECHR 1999-V

[Semache v. France](#), no. 36083/16, 21 June 2018

[Shamayev and Others v. Georgia and Russia](#), no. 36378/02, ECHR 2005-III

[Shlykov and Others v. Russia](#), nos. 78638/11 and 3 others, 19 January 2021

[Shmorgunov and Others v. Ukraine](#), nos. 15367/14 and 13 others, 21 January 2021

[Šilih v. Slovenia](#) [GC], no. 71463/01, 9 April 2009

[Simeonovi v. Bulgaria](#) [GC], no. 21980/04, 12 May 2017

[Škorjanec v. Croatia](#), no. 25536/14, 28 March 2017

[Slyusarev v. Russia](#), no. 60333/00, 20 April 2010

[Smith and Grady v. the United Kingdom](#), nos. 33985/96 and 33986/96, ECHR 1999-VI

[Soare and Others v. Romania](#), no. 24329/02, 22 February 2011

[Soering v. the United Kingdom](#), 7 July 1989, Series A no. 161

[Stanimirović v. Serbia](#), no. 26088/06, 18 October 2011
[Stefanou v. Greece](#), no. 2954/07, 22 April 2010
[Stevan Petrović v. Serbia](#), nos. 6097/16 and 28999/19, 20 April 2021
[Strazimiri v. Albania](#), no. 34602/16, 21 January 2020
[Suleymanov v. Russia](#), no. 32501/11, 22 January 2013
[Svinarenko and Slyadnev v. Russia](#) [GC], nos. 32541/08 and 43441/08, ECHR 2014 (extracts)

—T—

[T. v. The United Kingdom](#) [GC], no. 24724/94, 16 December 1999
[T.M. and C.M. v. the Republic of Moldova](#), no. 26608/11, 28 January 2014
[Tabesh v. Greece](#), no. 8256/07, 26 November 2009
[Tali v. Estonia](#), no. 66393/10, 13 February 2014
[Talpis v. Italy](#), no. 41237/14, 2 March 2017
[Tarak and Depe v. Turkey](#), no. 70472/12, 9 April 2019
[Taştan v. Turkey](#), no. 63748/00, 4 March 2008
[Trévalec v. Belgium](#), no. 30812/07, 14 June 2011
[Tunikova and Others v. Russia](#), no. 55974/16 and 3 others, 14 December 2021
[Tyrer v. the United Kingdom](#), 25 April 1978, Series A no. 26

—V—

[V. v. the United Kingdom](#) [GC], no. 24888/94, ECHR 1999-IX
[V.C. v. Slovakia](#), no. 18968/07, ECHR 2011 (extracts)
[V.D. v. Croatia \(no. 2\)](#), no. 19421/15, 15 November 2018
[V.K. v. Russia](#), no. 68059/13, 7 March 2017
[Valašinas v. Lithuania](#), no. 44558/98, ECHR 2001-VIII
[Varnava and Others v. Turkey](#) [GC], nos. 16064/90 and 8 others, ECHR 2009
[Vincent v. France](#), no. 6253/03, 24 October 2006
[Vinter and Others](#) [GC], nos. 66069/09 and 2 others, ECHR 2013 (extracts)

[Virabyan v. Armenia](#), no. 40094/05, 2 October 2012

[Virgiliu Tănase v. Romania](#) [GC], no. 41720/13, 25 June 2019

[Vladimir Romanov v. Russia](#), no. 41461/02, 24 July 2008

[Volodina v. Russia](#), no. 41261/17, 9 July 2019

—W—

[Wainwright v. the United Kingdom](#), no. 12350/04, ECHR 2006-X

[Wieser v. Austria](#), no. 2293/03, 22 February 2007

[Willcox and Hurford v. the United Kingdom](#) (dec.), nos. 43759/10 and 43771/12, ECHR 2013

[Women's Initiatives Supporting Group and Others v. Georgia](#), no. 73204/13 and 74959/13, 16 December 2021

—X—

[X and Others v. Bulgaria](#) [GC], no. 22457/16, 2 February 2021

—Y—

[Y v. Bulgaria](#), no. 41990/18, 20 February 2020

[Y. v. Slovenia](#), no. 41107/10, ECHR 2015 (extracts)

[Yankov v. Bulgaria](#), no. 39084/97, ECHR 2003-XII (extracts)

[Yaroslav Belousov v. Russia](#), nos. 2653/13 and 60980/14, 4 October 2016

[Yatsenko v. Ukraine](#), no. 75345/01, 16 February 2012

[Yotova v. Bulgaria](#), no. 43606/04, 23 October 2012

—Z—

[Z and Others v. the United Kingdom](#) [GC], no. 29392/95, ECHR 2001-V

[Z.A. and Others v. Russia](#) [GC], nos. 61411/15 and 3 others, 21 November 2019

[Zakharov and Varzhabetyan v. Russia](#), nos. 35880/14 and 75926/17, 13 October 2020

[Zherdev v. Ukraine](#), no. 34015/07, 27 April 2017

[Zontul v. Greece](#), no. 12294/07, 17 January 2012